حقوق گذرگاه‌ها و سدّ معبر در فقه اسلامی

سعید نظری توکلی

بسم الله الرحمن الرحیم

حقوق گذرگاه‌ها و سد معبر در فقه اسلامی

نویسنده:

سعید نظری‌توکلی

ناشر چاپی:

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

حقوق گذرگاه ها و سد معبر در فقه اسلامی

مشخصات کتاب

سرشناسه : نظری توکلی، سعید، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور : حقوق گذرگاه ها و سد معبر در فقه اسلامی/ سعید نظری توکلی.

مشخصات نشر : مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۷۴ص.

شابک : ۷۵۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۱-۲۱۲-۳

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۷۱] - ۷۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : حق عبور (فقه)

موضوع : حق عبور-- ایران

شناسه افزوده : بنیاد پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره : BP۱۹۸/۶ /ح۴ ن۶ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۷

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۸۷۳۸۳

ص:۱

اشاره

فهرست مطالب

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

اهداء

این اثر را به رسم ادب و احترام، به روح فقیه فهیم و مفسّر توانا، مرحوم آیه اللّه سعیدی کاشمری قدس سره که از نخستین روزهای اقامتشان در جوار حریم رضوی، توفیق شاگردیشان را داشتم، تقدیم می کنم.

ص:۵

پیشگفتار

حتی اگر اجتماعی بودن را ویژگی ذاتی و غریزی انسان ندانیم و در درستی گزاره «الانسان مدنی بالطبع» تردید داشته باشیم، ناگزیریم بپذیریم عوامل مختلفی در روند شکل گیری زندگی اجتماعی انسان نقش داشته اند که شاید بتوان محدودیت منابع طبیعی، گرایش به بهره برداری نامحدود از طبیعت و سرانجام، محدودیت توان انسان را از جمله مهم ترین و مؤثرترین آن ها دانست، زیرا با وجود این سه واقعیت انکارناپذیر، بهره مندی از رفاه و توسعه بیشتر جز با ورود به زندگی جمعی و استفاده از توان و امکانات دیگران امکان پذیر نخواهد بود.

ضرورت زندگی جمعی برای انسان هیچ گاه به معنای نادیده گرفتن تک تک انسان ها به عنوان عناصر سازنده آن جامعه نیست، زیرا جامعه بدون در نظر گرفتن عناصر سازنده خود، هویتی مستقل ندارد؛ اما از این واقعیت نیز نمی توان چشم پوشی کرد که انسان در جامعه به واسطه برخورداری از موقعیت های اجتماعی و در نتیجه، قدرت و امکانات بیشتر، قابل مقایسه با انسان به عنوان فرد و موجودی ورای جامعه نیست.

توجه هم زمان به دو عنصر فرد و جامعه و نادیده نگرفتن هریک به سود دیگری، در نظام حقوقی و فقه اسلامی که تکالیف آن، ناظر به سود

و زیـان (مصالـح و مفاسـد) واقعی است، به عنوان یـک اصـل مورد پـذیرفته شـده است، به گونه ای که نه احکـام فردی آن به حقوق جمعی آسیب وارد می کند و نه احکام اجتماعی آن، حقوق فردی را نادیده می گیرد.

از جمله مصـادیق توازن حقوقی میـان فرد و اجتمـاع، مـالکیت خصوصـی و مـالکیت عمومی است. به همان انـدازه که مالکیت فردی در اسـلام محترم است، مـالکیت جمعی نیز محترم بوده، هیـچ گاه یکی به خاطر دیگری نادیـده گرفته نمی شود؛ هرچند ممکن است در شـرایط خاص، مراعات حرمت یکی بر مراعات دیگری اولویت پیـدا کند و این همان اصل عدالت محوری در حقوق اسلامی است که قرآن کریم همه مسلمانان را به رعایت آن فرا خوانده است:

«یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُونُوا قَوّامِینَ بِالْقِسْطِ»، (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید، پیوسته عدل را به پا دارید.

در متون فقهی، هنگـام بررسـی آثـار حقوقیِ آبـاد کردن زمین هـای بیابـانی (احیـاء موات)، به مناسـبت بحث مالکیت عمومی، موارد و احکام آن نیز مطرح شـده است. از جمله مصادیق مالکیت عمومی، خیابان ها (شارع - طریق) اسـت(۲) که در تبصره۶ از ماده ۹۶ قانون

شهرداری به آن چنین اشاره رفته است:

اراضـی کوچه هـای عمومی و میـدان هـا و پیـاده روهـا و خیابان ها و به طور کلی معابر و بستر رودخانه ها و مجاری فاضـلاب شهرها و باغ های عمومی و گورستان های عمومی و درخت های معابر

ص:۸

۱- نساء ۴/۱۳۵.

۲- ر.ك: تذكره الفقهاء، ۲/۴۰۵؛ مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، ۱۲/۴۲۸؛ روضه الطالبين، ۴/۳۵۹.

عمومی واقع در محدوده هر شهر که مورد استفاده عموم است، ملک عمومی محسوب و در مالکیت شهرداری است.(۱)

هرچند گذرگاه ها در قرون گذشته از پیچیدگی های امروزی برخوردار نبودند، فقهای بزرگ اسلام با دور اندیشی ای بس ستودنی، به تمام پرسش هایی که مدیران شهری امروز با آن مواجه هستند، پاسخ گفته اند. در این مقاله بر آن هستیم تا با بررسی مسائل حقوقی گذرگاه ها، یکی از مهم ترین آفت های زندگی شهری، یعنی سدّ معبر، را از نگاه حقوق اسلامی ارزیابی کنیم.(۲)

سعید نظری توکّلی

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

دانشگاه فردوسی مشهد

۱- مجموعه قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری، ۳۶۰.
۲- هرچند در این نوشتار در صدد بیان حدود و شرایط استفاده از راه ها و پیاده روها هستیم، مباحث آن را درباره آبراه ها نیز می توانیم صادق بدانیم؛ ر.ك: المغنی، ۶/۱۶۳؛ الشرح الکبیر، ۶/۱۷۲.

گفتار اوّل: کلّیات

اشاره

پیدایش

مفهوم شناسی

کاربری

۱- پیدایش

تبـدیل یک قطعه زمین به محلی برای رفت و آمـد عمومی (خیابان) به دو شـکل صورت می گیرد: بدون انگیزه و با انگیزه. در نوع اول که نمود آن بیشتر در جوامع گذشـته است، بر اثر ترددهای پی در پی در زمینی بـدون صاحب یا موات، آرام آرام راه یـا خیابان شـکل می گرفته است؛ اما در نوع دوم که بیشتر در جوامع امروزی دیـده می شود، اشـخاص حقیقی یا حقوقی و هم چنین دولت، زمینی با مالکیت خصوصی یا موات را به خیابان یا راه تبدیل می کنند.(۱)

۲- مفهوم شناسی

از آن جا که هر گزاره فقهی مرکب از موضوع و محمول است، پیش از اسـتنباط حکم (محمول)، نیازمند به شـناسایی موضوع هستیم. موضوع در تحقیقی که پیش رو داریم، خیابان عمومی (شارع نافذ)، راه (طریق)، پیاده رو و مواردی از این قبیل است.

بدون تردید تعریف و تشخیص موضوع با عرف است که می تواند

بسته به نوع مورد، عرف عام (توده مردم) یا عرف خاص (متخصصان

ص:۱۳

۱- خـویی، منهـاج الصـالحین، ۲/۱۶۱-۱۶۲، شـماره۷۵۵؛ روحـانی، منهـاج الصـالحین، ۲/۱۸۱، شماره۷۲۱؛ سیسـتانی، منهاج الصالحین، ۲/۲۶۹، شماره۹۴۹.

علوم مختلف) باشد.

در قسمت خدمات شهری طرح تفصیلی شهر مشهد چنین آمده است:

۴۸-۲- گذرگاه پیاده: گذرگاه پیاده معبری است که فقط برای عبور و مرور پیاده روندگان طرح شده باشد. گذرگاه پیاده می تواند تمام یا بخشی از یک گذرگاه عمومی را به خود اختصاص دهد.

۴۹-۲- گذرگاه سواره - سواره رو: گذرگاه سواره معبری است که فقط برای عبور و مرور وسایط نقلیه طرح شده باشد.(۱)

۳- کاربری

اشاره

هرچنـد در تعاریف بالا کاربری گذرگاه ها نیز مشـخص شده است، اما در منابع فقهی، سه دیدگاه مختلف درباره کاربری آن ها وجود دارد:

۳-۱- بهره برداری آزاد

می تـوان ابـن زهره حلـبی و علی بـن محمـد قمی را از جملـه طرفـداران ایـن دیـدگاه دانسـت. از نظر آن هـا، خیابـان از جمله «مباحات عامه» است که هرکس می تواند هر گونه که بخواهد، از آن اسـتفاده کند، مشروط به این که استفاده او باعث آسیب دیدن افرادی که از آن جا عبور می کنند، نشود.(۲)

روشن است که تقییـد به «عـدم تضـرّر عابران» می توانـد ناظر به اصل کلی در اسـتفاده از مباحات باشد که نمی توان از اماکن عمومی به گونه ای بهره برداری کرد که زمینه بهره برداری دیگران را از بین برد یا به آنان

ص:۱۴

۱- طرح تفصیلی مشهد، ۲/۱۶.

۲- غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع، ۲۵۴؛ جامع الخلاف و الوفاق، ۳۱۱.

آسیب وارد سازد.

۳-۲- بیشتر برای تردد

بیشتر فقهای شیعه و سنی بر این باورند که کاربرد اصلی جاده و خیابان آمد و شد است. طبیعی است با فرض تعیین کاربرد اصلی، کاربردهای فرعی نیز قابل تصور است؛(۱) از این رو، می توان به جز رفت و آمد، از خیابان برای استراحت، دادوستد و ... نیز استفاده کرد.(۲)

المراد من الشوارع و الغرض بها الاستطراق و منفعتها الأصليّه التردّد فيها بالذهاب و العود و الناس فيها شرع سواء يجوز الوقوف و الجلوس فيها لغرض الاستراحه و المعامله و غيرهما.(۳)

همان گونه که مشاهده می شود، چه بگوییم گذرگاه ها از جمله اموال مباحی هستند که هر نوع استفاده از آن ها جایز است و چه بگوییم دارای کاربری اصلی و کاربری فرعی هستند، می توان از آن ها

برای کارهایی غیر از عبور و مرور نیز استفاده کرد. با این حال، جواز چنین بهره برداری هایی مشروط به دو شرط است: عدم اضرار و عدم تضییق؛(۴) یعنی می باید این

۱- مغنی المحتاج الی معرفه معانی الفاظ المنهاج، ۲/۳۶۹؛ حواشی الشروانی، ۶/۲۱۶؛ روضه الطالبین، ۳/۴۴۰.

۲- الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ۳/۷۰؛ الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ۷/۱۸۱؛ مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ۲/۴۲۸-۴۲۹؛ روضه الطالبین، ۴/۳۵۹؛ فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب، ۱/۴۳۶-۴۳۷.

۳- تذکره الفقهاء، ۲/۴۰۵.

۴- ممکن است تصور شود که دو عنوان «اضرار» و «تضییق» در عبارت فقها ناظر به یک قید است، چرا که تنگ شدن خیابان معمولاً باعث آسیب دیدن عابران نیز می شود، ولی باید توجه کرد که این دو عنوان مستقل از یکدیگر بوده، نسبت میان آن ها عموم من وجه است. این تعدد را محقق کرکی چنین توضیح می دهد: «و لایتقیّد إلاّ بعدم الإضرار و التضییق على المارّه، فحینئذ یحرم، لأنّ حق الاستطراق هو المطلوب الأصلی»؛ جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۷/۳۴.

بهره برداری ها باعث آسیب دیدن دیگران (عابران)(۱) و از بین رفتن کاربری اصلی گذرگاه(۲) (کندی و اختلال در عبور و مرور)(۳) نشود.

برای اثبات جواز بهره برداری های مختلف از گذرگاه ها، به این مطالب استناد شده است:

- اصل عملی: در صورت شک در جواز و عدم جواز (حلیت و حرمت) بهره برداری خاص، اصل بر حلیت و جواز آن بهره برداری است، مادامی که دلیلی بر حرمت آن یافت نشود.(۴)

- اجماع: همه ساکنان شهرها در خلال قرون متمادی بر این مطلب اتفاق نظر (اجماع) داشته اند که می توان از راه ها و خیابان ها برای

سایر کارها به جز عبور و مرور نیز استفاده کرد.(۵)

- سیره: مردم از راه ها و خیابان ها به جز عبور و مرور، برای کارهای دیگری نیز استفاده می کنند. این روش (سیره) می تواند دلیلی بر جواز

۱- تذکره الفقهاء، ۲/۴۰۵؛ الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ۳/۷۰؛ فتح العزیز فی شرح الوجیز، ۱۰/۳۰۷.
۲- کفایه الاحکام، ۴۲۱-۴۲۲؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۳۸/۷۶.
۳- تذکره الفقهاء، ۲/۴۰۵؛ الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ۷/۱۸۱؛ مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ۱۲/۴۲۸-۴۲۹؛ روضه الطالبین، ۴/۳۵۹؛ فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب، ۱/۴۳۶.
۴- کفایه الاحکام، ۲۴۲؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۴۳/۱۱۹؛ مکارم، القواعد الفقهیه، ۲/۱۵۰.
۵- تذکره الفقهاء، ۲/۴۰۵؛ مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ۱۲/۴۲۹؛ کفایه الاحکام، ۲۴۲؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۳۸/۷۶؛ فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب، ۱/۴۳۷.

بهره برداری های مختلف از آن ها باشد.(۱)

مرحوم نجفی در این باره چنین توضیح می دهد:

أنّ الأصل و السیره القطعیه یقتضیان جواز سائر وجوه الانتفاع بالمنافع المشترکه إذا لم تعارض أصل المنفعه المقصوده منه الّذی أعدّ لها بإحیاء المحیی أو بوقف الواقف أو بتسبیل المسبل أو بغیر ذلک من غیر فرق بین ما یدوم أثر التصرّف کالبناء و نحوه و بین ما لایدوم مع فرض عدم إخراجه بذلک عمّا أعدّ له.(۲)

۳-۳- تنها برای تردد

این احتمال را فخر المحققین در نقد سخن علامه حلّی که خرید و فروش را در خیابان جایز می داند، مطرح کرده است، هرچند خود از آن دفاع نمی کند.(۳) بر این اساس، پیاده رو مکانی است تنها برای تردد عابران پیاده و خیابان مکانی است تنها برای عبور و مرور وسائل نقلیه که بسته به موقعیت جغرافیایی و مشخصات فنی آن، می تواند به عبور و مرور وسائل نقلیه سبک، نیمه سنگین و سنگین اختصاص پیدا کند.

نقد و بررسی: هرچند مشهور فقها برای اثبات جواز سایر بهره برداری ها، از دو واژه «اجماع» و «سیره» استفاده کرده اند، ولی معنای اصطلاحی این دو واژه مورد نظر آن ها نیست، زیرا اصطلاح «اجماع» بر اتفاق نظر فقها در حکمی خاص اطلاق می شود و نه بر توافق مردم بر انجام یک کار؛ از این رو، منظور از «اجماع» در این مسئله همان سیره

۱- جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۳۸/۷۶؛ مکارم، القواعد الفقهیه، ۲/۱۵۰.

۲- جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۳۸/۸۱-۸۲.

۳- ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، ۲/۲۳۵: «أقول: یحتمل عدمه، لأنّ شرع الطریق لمصلحه الاستطراق فی غیرها؛ و الأقوی الأوّل»؛ هم چنین ر.ک: جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۷/۳۵.

و روش عملی مردم است.

همان گونه که در اصول فقه نیز به تفصیل بیان شده است، سیره و روش عملی مردم در انجام یک کار، همیشه نمی تواند دارای اعتبار شرعی باشد و بر فرض که چنین باشد، روش مردم در استفاده از گذرگاه های عمومی در قرون گذشته نمی تواند مبنایی برای رفتار ما در امروز باشد، زیرا مفاهیمی هم چون خیابان، خیابان اصلی و فرعی، بزرگ راه، آزادراه، پیاده رو و توقفگاه (پارکینگ) یا در گذشته وجود نداشته اند و یا به معنای امروزی آن به کار نمی رفته اند. در نتیجه، سیره و روش مردم، بر فرض که اعتبار شرعی هم داشته باشد، با تغییر موضوع، برای زمان حاضر ارزش فقهی نخواهد داشت.

اما آن چه برای ما در این مجال قابل بررسی است، ادعای مرحوم نجفی است که به عنوان یک اصل در استفاده از منافع مشترک بیان شده است. آیا به راستی ما می توانیم از اموال عمومی هر گونه که بخواهیم، استفاده کنیم؟ به نظر ما، دلایلی که جواز استفاده افراد از

منافع عامه (مشترکات) را اثبات می کنند، (۱) از اطلاق افرادی و احوالی برخوردار نیستند تا بتوان از آن ها جواز هر نوع بهره برداری را استنباط کرد، بلکه تنها در مقام تشریع مالکیت عمومی و اصل جواز بهره برداری از اموال عمومی هستند. افزون بر این، متبادر از لفظ خیابان (شارع) و مانند آن در زمان ما مفهومی خاص است که اطلاقات ادله - بر فرض وجود - بر همین معنای متبادر حمل می شود و از سایر کاربردها صحت سلب دارد. به هر حال، این ادعا که هر فردی می تواند از اموال عمومی هر گونه که بخواهد

۱- کاربرد اصطلاح «منافع مشترکه» در متون فقهی رایج است؛ ر.ك: شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۴/۷۹۵.

، استفاده بکند، لوازمی دارد که گمان نمی کنم هیچ فقیهی به آن پای بند باشد.

به نظر ما، آن گونه که در بندهای ۱۲، ۲۲، ۲۸ و ۴۷ از ماده ۱ آئین نامه راهنمایی و رانندگی آمده است، خیابان در محیط شهری، محلی است برای رفت و آمد وسایل نقلیه که می تواند بسته به تنوع وسیله نقلیه (سبک، نیمه سنگین، سنگین)، دارای محدودیت هایی نیز باشد؛ هم چنان که پیاده رو مکانی است برای عبور و مرور افراد که با یک حاشیه امنیتی از سطح خیابان جدا می شود.(۱) در نتیجه، هر عملی به جز رفت و آمد وسایل نقلیه در خیابان جایز نیست؛ هم چنان که هر کاری به جز عبور افراد در پیاده رو نیز جایز نخواهد بود.

در بند۱ از ماده ۱۹۱ آئین نامه راهنمایی و رانندگی چنین آمده است:

عابران پیاده موظف اند که در محل هایی که پیاده رو وجود دارد، از داخل سواره رو عبور نکنند.(۲)

هم چنین در بندهای ۱ و ۱۲ از ماده ۱۴۴ همان آئین نامه آمده است:

توقف در محل های زیر ممنوع است:

- پیاده رو و گذرگاه پیاده؛

- در خیابان هایی که پیاده روی آن قابل عبور نبوده و پیاده ها مجبورند از قسمتی از سواره رو عبور کنند.(۳)

البته توجه به این نکته نیز ضروری است، همان دلایلی که عبور و مرور وسایل نقلیه و افراد را در سطح خیابان و پیاده رو جایز می دانند

۱- آموزش قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی، ۳-۵.
۲- آموزش قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی، ۳۴.
۳- آموزش قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی، ۲۹-۳۰.

، لوازم عقلی و عادی این دو عمل را که می تواند کاری غیر از تردد ولی وابسته به آن باشد نیز جایز می دانند. به عنوان مثال، لازمه تردد عابران در پیاده رو، با ملاحظه سن و توانایی های جسمانی آن ها، اندکی توقف و استراحت نیز هست، اما نه آن گونه توقف و استراحتی که افراد در پارک ها و تفرجگاه ها انجام می دهند.(۱)

در این صورت، به راحتی می توانیم بگوییم تردد موتورسیکلت در

پیاده رو، حرکت ماشین های سنگین در خیابان های فرعی با عرض کم، تردد عابران پیاده در سطح خیابان و خوابیدن و خرید و فروش افراد در سطح پیاده روها، از آن جا که استفاده از منافع عمومی در خارج از منفعت تعریف شده آن هاست، جایز نخواهد بود، حتی اگر مزاحمتی برای دیگران نداشته باشد؛ زیرا شرط عدم مزاحمت در بهره گیری از منفعت ذاتی اشیاء معتبر است، نه در منفعتی که شی ء برای آن به وجود نیامده است.

اطلاق ماده واحده قانون تشدید مجازات موتورسیکلت سواران متخلف، ناظر به همین مطلب است:

افسران و درجه داران دیپلمه مأمور راهنمایی و رانندگی شهرداری پایتخت مکلف اند در محدوده قانونی شهر تهران

۱- مرحوم نجفی لوازم استفاده از معابر عمومی را چنین توضیح می دهد: «إنّ جمیع ما یعرض للمستطرق من المرافق التی یحتاجها فی استطراقه من جلوس و وقوف و نحوهما لا فرق بینها و بین الاستطراق. و منه ما یحتاج إلیه من کانت باب داره إلی الطریق من إدخال الأحمال و الدواب و نحوها باعتبار أن ذلک کلّه من توابع استطراقه. أمّا إذا لم یکن کذلک، بل کان مرفقا لا من حیث الاستطراق کالجلوس للبیع و نحوه، فلاریب فی تقدّم حقّ الاستطراق علیه عند التعارض»؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۳۸/۷۸.

رانندگان موتورسیکلت یا موتورگازی را که در پیاده رو مبادرت به رانندگی می کنند و یا در جهت مخالف مسیر مجاز حرکت می کنند و یا به وسیله لوله خروج دود، عمدا صدای ناهنجار ایجاد می کنند، علاوه بر اخذ جزای نقدی ... موتورسیکلت یا موتورگازی آنان را از سه ماه تا شش ماه به ترتیب زیر توقیف نمایند.(۱)

بنابراین، این فتوا که «هرکس می تواند از خیابان ها و راه های عمومی برای نشستن، خوابیدن، نماز خواندن، خرید و فروش و مانند این ها استفاده کند، مادامی که برای عابران مزاحمتی ایجاد نکند و کسی حق ندارد او را از این کار باز بدارد و به مقداری که برای گذاشتن

کالا- و توقف نیاز دارد مانع او شود»، (۲) درست به نظر نمی رسد؛ هم چنان که مضمون ذیل ماده ۶ قانون نحوه رسیدگی به تخلّفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب ۳۰/۳/۱۳۵۰ که با عنایت به شرط مذکور در صدر آن، جمع آوری وسایل نقلیه پارک شده در پیاده روها را مشروط به خطرساز بودن آن یا انسداد راه دانسته است، نادرست به نظر می رسد:

محل هایی که توقف وسایل نقلیه در آن محل ها موجب بروز خطر و انسداد راه می شود، باید با نصب علایم مخصوص رانندگی وسیله مسئولان مربوط مشخص شود.

در صورت توقف وسایل نقلیه در این قبیل محل ها و

۱- مجموعه قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری، ۷۸۱.

۲- خویی، منهاج الصالحین، ۲/۱۶۱، شماره۷۵۳؛ هم چنین ر.ك: روحانی، منهاج الصالحین، ۲/۱۸۰، شماره۷۱۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ۲/۲۶۸، شماره۹۴۵؛ تحریر الوسیله، ۲/۲۱۱، شماره۵ و۶.

پیاده روها، مأموران مربوط مجازند با وسایل اطمینان بخشی که برای این کار معمول است، وسیله نقلیه مزبور را به نزدیک ترین توقفگاه یا منطقه مجاز انتقال داده، جریمه مقرّر را با حقّ توقف در توقفگاه از متخلف دریافت کنند.(۱)

به نظر ما می باید کلمه «پیاده رو» از قانون بالا حذف شود تا این قانون صرفا ناظر به توقف در محل های خطرساز یا توقف موجب انسداد راه باشد، زیرا توقف ماشین در پیاده روها حتی اگر خطرساز هم نباشد و باعث انسداد راه نیز نشود، مجاز نخواهد بود و در هر دو صورت، مأموران نه تنها مجاز بلکه موظف به انتقال آن از سطح معبر

هستند.

هم چنین هرچند در صدر مواد ۱۴۹ و ۱۶۹ آئین نامه راهنمایی و رانندگی به صراحت تردد دوچرخه سواران و وسایل نقلیه در پیاده رو منع شده است، اما در ذیل این مواد، برای سایر افراد کارهایی غیر از عبور و مرور تلویحا مجاز دانسته شده که نیازمند بازنگری است.

ماده ۱۴۹: عبور دوچرخه سوار از پیاده رو و وسط دستجات، بازار، نقاط شلوغ و پرتردد ممنوع است.(۲)

ماده ۱۶۹: عبور وسایل نقلیه در پیاده رو، از وسط دستجات ارتش یا مأموران انتظامی یا دانش آموز یا تشییع کنندگان جنازه ها یا سایر دستجات تشریفاتی و هم چنین بوق زدن در این قبیل موارد، مجاز نیست.(۳)

۱- مجموعه قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری، ۷۵۹.

۲- آموزش قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی، ۳۰.

۳- آموزش قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی، ۳۳.

گفتار دوم: آسیب شناسی

اشاره

بهره برداری های خطرساز

بهره برداری های اختلال ساز

ص: ۲۳

چه بگوییم گذرگاه های عمومی تنها برای عبور و مرور وسایل نقلیه و عابران پیاده به کار می روند و چه آن گونه که مشهور میان فقهاست، مدعی شویم این گذرگاه ها کاربردهای جانبی نیز دارند، این مطلب مسلّم است که هر گونه رفتاری که باعث توقف عبور و مرور یا کندی آن شود - که از این پس با عنوان «سد معبر» از آن یاد می کنیم - امری حرام خواهد بود.(۱)

۱- بهره برداری های خطر ساز

اشاره

تردیدی نیست که هر گونه استفاده از گذرگاه های عمومی که باعث آسیب دیدن عابران یا وسایل نقلیه و سرنشینان آن ها شود، کاری حرام خواهد بود؛ افزون بر این که از نظر حقوقی نیز ضمان شرعی را به دنبال خواهد داشت.

۱-۱- حکم تکلیفی

برای اثبات حرمت آن نوع بهره برداری از گذرگاه های عمومی که منجر به ضرر و آسیب دیگران می شود، به دلایلی که اثبات کننده حرمت اضرار به غیر است، می توان استناد کرد(۲) که مهم ترین آن ها قاعده لاضرر است.

۱- مکارم، القواعد الفقهیه، ۲/۱۵۰-۱۵۱.

۲- برای اطلاع بیشتر، ر.ک: فقه الصادق فی شرح التبصره، ۱۸/۴۴۴-۴۴۶.

در بیشتر منابع علم اصول فقه، به چهار احتمال در معنای حدیث «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» بیان شده که عبارتند از: نهی از ضرر، (۱) نفی حکم به لسان نفی موضوع، (۲) نفی حکم ضرری(۳) و نفی ضرری که جبران نمی شود؛(۴) اما به نظر می رسد که این حدیث با خبر دادن از نبود ضرر در هستی، در مقام بیان نامطلوب بودن ضرر نزد قانون گذار است(۵) و به همین جهت، هم چنان که این حدیث، نافی جعل حکم ضرری است، حاکی از عدم جواز ایراد ضرر و ضرار در خارج نیز هست.(۶) افزون بر این، برخی از روایات هم چون روایت صدوق نیز به خوبی بر این مطلب دلالت دارد:

من ضارّ مسلما فلیس منّا و لسنا منه فی الدّنیا والآخره؛(۷) هرکس به مسلمانی آسیب برساند، نه از ماست و نه ما در دنیا و آخرت با او هستیم.

۱-۲- حکم وضعی

هر گونه استفاده از گذرگاه های عمومی که به طور عمدی یا غیر عمدی باعث آسیب دیدگی عابران یا وسایل نقلیه شود، ضمان را به دنبال دارد؛ یعنی آسیب زننده موظف است خسارت های مالی فرد آسیب دیده را بسته به موردش جبران کند.

۱- العناوین الفقهیه، ۱/۳۱۱؛ شیخ الشریعه اصفهانی، قاعده لاضرر، ۲۸.

۲- کفایه الاصول، ۲/۲۶۸؛ حاشیه کتاب فرائد الاصول، ۱۶۸.

۳- المکاسب، ۳۷۲.

۴- المکاسب، ۳۷۲.

۵- تسدید القواعد فی حاشیه الفرائد، ۴۹۳.

۶- تذکره الفقهاء، ۲/۱۸۱: «لایجوز لأحد بناء دکّه و لا غرس شجره فی الطریق المسلوک إن ضیّق الطریق و ضرّ بالمارّه اجماعا لقوله علیه السلام: لا ضرر و لا ضرار».

۷- وسائل الشیعه، ۱۵/۴۸۹-۴۹۰، شماره ۱.

برای اثبات ضمان و لزوم پرداخت خسارت، به این روایات می توان استناد کرد:

- روایت حلبی: کلّ شئ یضرّ بطریق المسلمین فصاحبه ضامنٌ لما یصیبه؛(۱) هرچیزی که به مسیر رفت و آمد مسلمانان آسیب برساند، صاحب آن، ضامن خسارت وارد شده است.

- روایت کنانی: من أضرّ بشئ من طریق المسلمین فهو له ضامن؛(۲) هرکس به هر شکل به مسیر رفت و آمد مسلمانان خسارتی وارد کند، ضامن آن است.

تناسب ضمان با نوع استفاده از گذرگاه: می باید به این نکته توجه داشته باشیم که حرکت در گذرگاه های عمومی به طور طبیعی کار پرخطری است (ریسک بالا) و در نتیجه، مسئله ضمان هنگامی قابل طرح است که دارنده وسیله نقلیه یا عابر پیاده از گذرگاه تعیین شده خود حرکت نکنند.

برای اثبات این مطلب می توان به روایت علی بن سوید استناد کرد:

إذا قام قائمنا قال: یا معشر الفُرسان سیروا فی وسط الطریق ، یا معشر الرجاله سیروا علی جنبی الطریق، فأیّما فارس أخذ علی جنبی الطریق فأصاب رجلاً عیب ألزمناه الدیه ، وأیّما رجل

أخذ فی وسط الطریق فأصابه عیب فلا دیه له؛(۳) هنگامی که قائم ما قیام کند، می گوید: ای اسب سواران، از وسط راه حرکت کنید و ای پیادگان، از کناره

ص:۲۷

۱- الکافی، ۷/۳۴۹-۳۵۰، شماره۲.

۲- الکافی، ۷/۳۵۰، شماره۳.

۳- تهذیب الاحکام، ۱۰/۳۱۴، شماره۱۱۶۹.

راه حرکت کنید. پس هر اسب سواری را که از کناره راه حرکت کند و به انسانی آسیب وارد سازد، وادار به پرداخت دیه می کنیم و هر پیاده ای که در میانه راه حرکت کند و به او آسیبی وارد شود، دیه ای دریافت نخواهد کرد.

با مترادف دانستن دو واژه «فُرسان» و «جنبی الطریق» با «رانندگان وسایل نقلیه» و «پیاده رو»، مفاد حدیث این خواهد شد که عبور و مرور در گذرگاه ها، اعم از راه، خیابان و پیاده رو، هنگامی موجب ضمان می شود که آسیب زننده در خارج از جایگاه قانونی خود حرکت کند. بنابراین، اگر وسیله نقلیه ای بدون ملاحظات قانونی وارد پیاده رو شود و با عابری برخورد کند، ضامن خواهد بود؛ اما اگر عابر پیاده با خروج از گذرگاه قانونی خود یعنی پیاده رو و ورود به حوزه خیابان، با وسیله نقلیه ای تصادف کند، در این صورت، عابر نمی تواند بابت خسارتی که از این تصادف دیده است، از راننده وسیله نقلیه پولی درخواست کند.

در ماده ۸ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب ۳۰/۳/۱۳۵۰ آمده است:

در صورتی که عابر پیاده در عبور از سواره رو و معابر و خیابان ها، جز از نقاطی که خط کشی شده و مخصوص

عبور عابر پیاده است (محل مجاز)، از محل دیگری (محل های غیر مجاز) عبور نماید، متخلف شناخته می شود و مکلّف به پرداخت جریمه مقرّر در آئین نامه می باشد. و در صورتی که در این قبیل نقاط غیر مجاز، وسیله نقلیه موتوری با عابر پیاده تصادف نماید، راننده وسیله نقلیه در صورتی که کلیه مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت نموده باشد، مسئول شناخته

نمی شود. عدم مسئولیت راننده مانع استفاده شخص ثالث از مقررات بیمه نخواهد بود.(۱)

هم چنین گـذرگاه محلی برای عبور و مرور است. حـال اگر کسـی از خیابـان یـا پیاده رو برای کاری غیر از این اسـتفاده کنـد، ضامن خواهد بود. بنابراین، چنانچه استفاده از معابر عمومی برای تخلیه فاضلاب و زباله، پارکینگ و ... منجر به آسیب دیدگی کسی شود، استفاده کننده مسئول جبران خسارت وی بوده و ضامن خواهد بود.

این مطلب را می توان از روایت سکونی به دست آورد:

من أخرج میزابا أو کنیفا أو أوتد وتدا أو أوثق دابه أو حفر بئرا

فی طریق المسلمین فأصاب شیئا فعطب فهو له ضامنٌ؛(۲) هرکس ناودان یا فاضلاب خانه اش را به گذرگاه مسلمانان باز

کند یا در گذرگاه میخی بکوبد یا حیوانی را ببندد یا چاهی حفر کند و کسی با آن برخورد کند و تلف شود، ضامن

است.

دقت در دو روایت علی بن سوید و سـکونی به خوبی مطلبی را که پیش از این توضیح دادیم، تأیید می کند، زیرا بر اساس این دو روایت نمی توان معـابر عمومی را مکـان هـایی چنـدمنظوره تلقی کرد، بلکه کـاربری این مکان ها تنها عبور و مرور وسایل نقلیه و عابران پیاده است.

۲- بهره برداری های اختلال ساز

اشاره

از جمله خطراتی که معابر عمومی از دیرباز با آن مواجه هسـتند، بهره برداری هایی است که موجب اختلال در امر رفت و آمد می شود.

۱- مجموعه قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری، ۷۶۰.

۲- من لایحضره الفقیه، ۴/۱۵۴، شماره۵۳۴۳.

هرچنـد نمود این آسـیب بیشتر در جـایی است که معابر عمومی را دارای کاربردهای چنـدمنظوره بـدانیم، ولی اگر از معابر یاد شده تنها برای جابجایی وسایل نقلیه و عابران پیاده نیز اسـتفاده کنیم، اسـتفاده ناصـحیح از آن ها می تواند باعث کندی عبور و مرور و سدّ معبر شود.

به هر حال، کسانی که از گـذرگاه های عمومی برای کاری غیر از رفت و آمـد اسـتفاده می کنند، مجاز نیسـتند با کار خود در آمد و شد مردم اخلال ایجاد کنند.(۱)

احترام به حقوق عابران در گذرگاه ها تا بدان اندازه است که اگر کسانی با خواندن نماز در سطح معابر، عبور و مرور مردم را مختل کنند، نمازشان باطل خواهد بود.(۲) علامه حلّی جایگاه اخلال در عبور

و مرور را در فقه اسلامی چنین توضیح می دهد:

الطرق نوعان: نافـذه و غیر نافذه. الأوّل: النافذه و النّاس کلّهم فی السـلوک فیها شـرع سواء مسـتحقّون للممرّ فیه و لیس لأحد أن یتصرّف فیه بما یبطل المرور فیه أو ینقصه أو یضرّ بالمارّه من بناء حائط فیه أو دکّه أو وضع جناح أو ساباط علی جداره إذا أضرّ بالمارّه إجماعا.(۳)

۱- قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ۲/۲۷۰؛ فتح العزیز فی شرح الوجیز، ۱۰/۳۰۸؛ روضه الطالبین، ۳/۴۳۸.
۲- مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ۱/۱۷۵؛ مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، ۳/۲۳۴.
۳- تذکره الفقهاء، ۲/۱۸۱.

هم چنین فقیه بحرانی می نویسد:

انّه لا خلاف بین الأصحاب فی أنّ الأراضی المحبوسه علی المنافع العامّه کالشوارع و المشارع و المساجد و المقابر و الرباطات و المدارس و الأسواق لایجوز لأحد التصرّف فیها علی وجه یمنع الانتفاع بها فیما هی متّخذه له.(۱)

۲-۱- حکم تکلیفی

اشاره

برای اثبات عدم جواز «تضییق» در رفت و آمد می توان به آیات قرآنی، قواعد فقهی و هم چنین برخی از احادیث خاندان عصمت استناد کرد.

۲-۱-۱- تجاوز از حدود الهی

قرآن کریم کسانی را که حدود و مرزهای الهی را می شکنند و حرمت آن ها را رعایت نمی کنند، ستمگر می داند.

«وَ مَنْ یَتَعَدَّ حُدُودَ اللّهِ فَأُولئِکَ هُمُ الظّالِمُونَ»؛(۲) آنان که

حدود الهی را زیر پا می گذارند، ستمکارند.

خداوند در این آیه از مصدر «تعدّی» استفاده کرده است و تعدّی آن

۱- الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، ۴/۱۴۰.

۲- بقره ۲/۲۲۹.

گونه که در متون تفسیری آمده، به معنای گذر کردن از حق است.(۱) بنابراین، هرگاه حقی زیر پا نهاده شود، تجاوزی صورت گرفته است و آن ها که تجاوز می کنند، ستمگرند.

پیش از این توضیح دادیم که گذرگاه ها از جمله اموال عمومی و منافع مشترکی هستند که هر کس حق دارد از آن ها در راستای هدفی معین (عبور و مرور) استفاده کند. حال اگر کسی در استفاده دیگران از این اموال عمومی، خللی ایجاد کند، حق آن ها را تضییع کرده، ستمکار خواهد بود.

سدّ معبر و ایجاد اختلال در امر رفت و آمد مردم، هرچند ابتدا حق استفاده آن ها از گذرگاه ها را کاهش داده یا از بین می برد، اما از آن جا که عناصر اجتماعی به هم پیوسته هستند، کسی که خود چنین مشکلی را برای مردم ایجاد می کند نیز در درازمدت از رهگذر همین کار آسیب خواهد دید؛ از این رو، می توان او را از جمله کسانی دانست که به خود ستم کرده اند:

«وَ مَنْ یَتَعَدَّ حُدُودَ اللّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ»؛(۲) آنان که حدود الهی را زیر پا می گذارند، به خود ستم کرده اند.

۲-۱-۲- قاعده نفی حَرَج

این قاعده که از جمله قواعد مسلّم عقلی و فقهی و مبتنی بر آیات و روایات معتبر است، حکایت از این دارد که از نظر قانونگذار اسلام، حرج - هم چون ضرر - وجود خارجی

ندارد. نفی وجود حرج به این معناست که نه احکام الهی مکلّفان را در تنگنا قرار می دهند و نه مردم مجاز هستند با رفتار خود یکدیگر را در تنگنا قرار دهند.(۳)

ص:۳۲

۱- التبیان فی تفسیر القرآن، ۲/۱۴۴ و ۴/۴۲۵.

۲- طلاق ۶۵/۱.

۳- برای اطلاع از مبانی فقهی قاعده لاحرج، ر.ک: مکارم، القواعد الفقهیه، ۱/۱۵۹-۲۰۷؛ عوائد الایام، ۱۷۳-۲۰۰.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسشی درباره طهارت و نجاست، این اصل کلی را چنین توضیح می دهند:

فإنّ الـدّین لیس بمضیّق، فإنّ اللّه یقول: ما جعل علیکم فی الدّین من حرج؛(۱) دین سـخت گیرنده نیست، چرا که خداوند می فرماید: در دین بر شما سختی قرار نداده است.

بنابراین، هرچند شـهروندان مجاز هسـتند از گذرگاه های موجود در سـطح شـهرها اسـتفاده کنند، اما نباید استفاده کسی باعث شود که دیگران فرصت اسـتفاده نیابند یا در بهره مندی از اماکن عمومی دچار سـختی و مشـقت شوند. در نتیجه، هرگونه سـدّ معبر در معابر عمومی، اعم از خیابان ها – اصلی و فرعی – و پیاده روها، ممنوع خواهد بود.

در تبصره ۱ بند ۲ ماده ۵۵ قانون شهرداری ها در این باره چنین آمده است:

سـدّ معابر عمومی و اشـغال پیاده روها و اسـتفاده غیر مجاز از آن ها و میـدان ها و پارک ها و باغ های عمومی برای کسب و یا سکنی و یا هر عنوان دیگری ممنوع است و شهرداری مکلف است از آن جلوگیری و در رفع موانع موجود و آزاد

نمودن معابر و اماکن فوق وسیله مأمورین خود رأسا اقدام کند.(۲)

گفتنی است که این تبصـره هرچند به وضوح مسئله سدّ معبر را مورد توجه قرار داده است، اما به کار رفتن عبارت «استفاده غیر مجاز از آن ها» صدر این ماده را با ابهام مواجه کرده است، زیرا مفهوم آن، این خواهد بود

۱- تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، ۱/۴۱۷، شماره۱۳۱۶.

۲- مجموعه قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری، ۳۴۹.

که استفاده مجاز از اماکن یاد شده جایز است. حال این پرسش مطرح است که آیا برای این اماکن غیر از کاربری ذاتی که دارند، یعنی عبور و مرور، کاربری مجاز دیگری هم وجود دارد؟

هم چنین در ماده ۱۸۷ آئین نامه راهنمایی و رانندگی، بدون آن که اسمی از سد معبر به میان آید، به سه نمونه از کارهایی که می توانند سد معبر به شمار آید، اشاره شده است، اما جواز انجام آن ها موکول به اجازه پلیس گردیده است که جای تأمل دارد، زیرا اجازه پلیس نه در بهره برداری غیر مجاز از معابر تأثیر دارد و نه در مسدود کردن موقت آن ها:

ماده ۱۸۷: اعمال ذیل در خیابان ها و معابر شهری ممنوع است، مگر با اجازه نیروی انتظامی(ناجا):

۱- بستن یا خوراک دادن دام ها و پرندگان یا رها کردن آن ها بدون نگهبان؛

۲- مسابقه با اسب یا سایر حیوانات و وسایل نقلیه؛

۳- ورزش و مسابقه های ورزشی.(۱)

اگر بپذیریم ایجاد اختلال در رفت و آمد مردم، ستمی بر ایشان است، به دو نتیجه فقهی می توان دست یافت:

اول: هر گونه همکاری با کسانی که با سدّ معبر، عبور و مرور وسایل نقلیه و افراد را با مشکل مواجه می کنند، از آن جهت که تعاون بر ظلم محسوب می شود، حرام است:

«وَ لا تَعَاوَنُوا عَلَی الإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَاتّقُوا اللّهَ إنَّ اللّهَ شَدِیدُ العِقَابِ»؛(۲) یکدیگر را بر گناه و تجاوزگری یاری

۱- آموزش قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی، ۳۴.

۲- مائده ۵/۳.

نکنید و از خداوند پروا کنید که خداوند سخت کیفر است.

در مقابل، هر گونه تلاش برای از بین بردن موانع عبور و مرور در سطح گذرگاه ها، همکاری بر نیکی بوده، متضمن پاداش اخروی است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در نقل ماجرایی فرمود:

کانت شجره تضیق الطریق فقطعها رجل فعزلها عن الطریق، فغفر له؛(۱) درختی راه مردم را تنگ کرده بود؛ مردی آن را کند و از مسیر حرکت مردم خارج کرد و به واسطه همین کار آمرزیده شد.

شاید با ملاحظه همین جهت باشد که قانونگذار، جمع آوری موانع موجود در مسیر عبور و مرور شهروندان را از جمله وظایف شهرداری می داند.

در بند ۱۴ از ماده ۵۵ وظایف شهرداری ها چنین آمده است:

اتخاذ تدابیر مؤثر و اقدام لازم برای حفظ شهر از خطر سیل

و حریق و هم چنین رفع خطر از بناها و دیوارهای شکسته و خطرناک واقع در معابر عمومی و کوچه ها و اماکن عمومی و دالان های عمومی و خصوصی و پر کردن و پوشاندن چاه ها و چاله های واقع در معابر و جلوگیری از گذاشتن هر نوع اشیاء در بالکن ها و ایوان های مشرف و مجاور به معابر عمومی که افتادن آن ها موجب خطر برای عابرین است و جلوگیری از ناودان ها و دودکش های ساختمان ها که باعث زحمت و خسارت ساکنین شهرها باشد.(۲)

دوم: ایجاد سدّ معبر جرم به حساب می آید و مرتکبان آن، ستمکارانی

۱- مسند أبی یعلی، ۱۱/۳۰۹، شماره۶۴۲۴.

۲- مجموعه قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری، ۳۵۱.

هستند که به واسطه تجاوز به حقوق عمومی، استحقاق مجازات دارند:

«إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النّاسَ وَ يَبْغُونَ فِی الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولئِكَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ»؛(۱) تنها کسانی که به مردم ستم می کنند و در زمین به ناحق ظلم روا می دارند، مجازات می شوند و برای ایشان عذابی دردناک است.

۱- شورا ۴۲/۴۲.

گفتار سوم: کاربری های غیر مجاز

اشاره

ساخت وساز

باز کردنِ در به معابر

حفاری

خرید و فروش

اتراق کردن

ایجاد لغزندگی

ص: ۳۷

بررسی منابع فقهی نشان می دهد که فقها از دیرباز درباره بهره برداری غیر مجاز از گذرگاه ها بحث کرده اند. در این مجال، به برخی از مهم ترین انواع آن اشاره می کنیم و مبانی فقهی آن را یاد آور می شویم:

۱- ساخت وساز

اشاره

ساخت وسازهای غیر مجاز در گذرگاه ها عبارت اند از:

۱-۱- ساخت دکه

اشاره

آیا می توان با تصرف بخشی از زمین خیابان یا پیاده رو، برای خود مکانی سقف دار همچون دکه ساخت؟

هرچند در منابع فقهی از عنوان «دکه» استفاده شده است، اما بعید نیست بتوان این عنوان را به غرفه، چادر، کیوسک، کانکس و کانتینر نیز تعمیم داد، چرا که در همه این موارد، با تصرف بخشی از زمین گذرگاه، مکانی مسقف ایجاد می شود.

در بندهای «ب»، «پ» و «ت» از ماده ۱ آئین نامه اجرایی قانون اصلاح ماده واحده قانون نحوه واگذاری اماکن عمومی و میادین و غرفه توزیع میوه، مصوّب ۵/۱۰/۱۳۵۸، این اماکن چنین تعریف شده اند:

ب - غرفه: مکان مستقلی است که به وسیله مصالح

ساختمانی

از قبیل آهن، آجر، سیمان، سنگ، آهک، خشت، گل و چوب بنا شده، دارای محل عبور مجزا و آب و برق باشد.

پ - چادر: مکانی است که به وسیله داربست فلزی یا چوبی بنا شده و با پارچه یا برزنت محصور شده باشد و در صورت امکان، دارای آب و برق باشد.

ت - کیوسک، کانکس و کانتینر: اتاقک های منقولی هستند که از اجناسی مانند فایبر گلاس، فلز، چوب و نظایر آن ها ساخته شده و بنا به ضرورت، در مقاطع زمانی مشخصی مورد استفاده واقع می شوند.(۱)

۱-۱-۱- حکم تکلیفی

در متون فقهی، در مورد این گونه ساخت وسازها در سطح معابر عمومی، نظرات مختلفی مطرح شده است که می توان آن ها را به دو گروه کلی تقسیم کرد:

الف) جواز مشروط: طرفداران این نظریه به شکل های گوناگونی مشروط بودن جواز این عمل را بیان کرده اند:

۱- ساخت دکه جایز است، به شرط آن که مسیر عبور و مرور را تنگ نکند و باعث آسیب دیدن دیگران نیز نشود.(۲) بنابراین، اگر دکه باعث تنگی مسیر یا آسیب دیدن دیگران شود، ساخت آن جایز نخواهد بود.(۳)

۲- ساخت دکه جایز است، اگر عرض معبر زیاد باشد (موسع) و وجود آن باعث آسیب دیدن عابران نشود.(۴)

۱- مجموعه قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری، ۶۰۲-۶۰۳.

۲- فتح العزیز فی شرح الوجیز، ۱۰/۳۰۸.

۳- روضه الطالبین، ۳/۴۳۹.

۴- مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ۱۲/۴۲۹.

۳- ساخت دکه جایز است، به شرط آن که وجود آن به عابران آسیبی وارد نکند.(۱)

نقد و بررسی: همان گونه که ملاحظه می شود، محور اصلی این آراء، اباحه و جواز تصرف در اموال عمومی است، مادامی که این بهره برداری باعث از بین رفتن کاربری اصلی آن ها (عبور و مرور) نشود و آسیبی هم به دیگران وارد نسازد؛(۲) اما چنان که خواهد آمد، تردیدی نیست که اگر ساخت دکه در سطح معابر، باعث اخلال در امر رفت و آمد یا آسیب دیدن عابران شود، این عمل از جهت اخلال و اضرار، حرام خواهد بود، ولی دلیل حرمت تنها منحصر به بروز این دو مانع بیرونی نیست، بلکه اگر فرض کنیم به علت پهن بودن سطح معبر، هیچیک از این دو مشکل نیز به وجود نیاید، باز هم این عمل از آن جهت که تصرف در اموال عمومی و تغییر در کاربری آن هاست، جایز نخواهد بود.

ب) عدم جواز مطلق: برخی از فقها بر این باورند که ساخت دکه در سطح معابر جایز نیست، حتی اگر عرض معبر آن قدر زیاد باشد (موسع) که ایجاد دکه مسیر عبور و مرور را تنگ نکند و موجب آسیب دیدن افراد نیز نشود.(۳)

پیش از این توضیح دادیم که آسیب نزدن (عدم ضرر) شرطی است حاکم بر همه رفتارها و به همین جهت، در برخی از متون فقهی، بدون اشاره به شرط مزبور، تنها بر این مطلب تأکید شده است که چه عرض خیابان زیاد باشد (موسّع) و چه کم (غیر موسّع)، ساخت دکه جایز نیست

۱- جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۳۸/۸۱.
۲- جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۳۸/۸۱.
۳- تذکره الفقهاء، ۲/۱۸۲.

و چون عادتا با زیاد بودن عرض خیابان، ایجاد دکه باعث اختلال در امر عبور و مرور نمی شود، (۱) می توان چنین نتیجه گرفت که از نظر این فقیهان، ایجاد دکه در سطح معابر جایز نیست، چه باعث اختلال در آمد و شد وسایل نقلیه و عابران بشود (تضییق) و چه نشود.(۲)

دلیل طرفداران این نظریه آن است که گذرگاه های عمومی مالک خصوصی نداشته، همه مردم به یک اندازه حق استفاده از آن ها را دارند و ساخت دکه چون باعث تملّک مال مشترک و اختصاص آن به یک نفر می شود، جایز نخواهد بود؛ افزون بر این که حق مردم برای رفت و آمد از آن قسمت را از آن ها می گیرد.(۳)

نقد و بررسی: به نظر ما، ساخت دکه در خارج از حریم خیابان یا پیاده رو و در زمینی با مالکیت خصوصی - اعم از حقیقی یا حقوقی - و با رعایت قوانین مربوط، جایز خواهد بود؛(۴) اما ساخت دکه یا هر

مکان سرپوشیده دیگری در حریم خیابان و پیاده رو، از آن جهت که تجاوز به حریم مالکیت عمومی و استفاده از سطح معابر در غیر از کاربری تعریف شده برای آن هاست، جایز نخواهد بود، (۵) بدون آن که آسیب زدن

۱- الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ۳/۳۳۹-۳۴۰؛ المغنی، ۵/۳۴؛ الشرح الکبیر، ۵/۲۹.

۲- تحریر الاحکام، ۲/۱۳۴.

۳- المغنی، ۵/۳۴؛ الشرح الکبیر، ۵/۲۹؛ الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ۳/۳۳۹-۳۴۰؛ تذکره الفقهاء، ۲/۱۸۲.

۴- تحریر الاحکام، ۲/۱۳۴.

۵- قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ۲/۲۷۰؛ ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، ۲/۲۳۶؛ تذکره الفقهاء، ۲/۴۰۵؛ الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ۳/۷۰؛ الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ۷/۱۸۴.

به عابران و یا محدود شدن عرض معبر، آن گونه که شیخ طوسی و ابن نووی مدعی آن هستند، (۱) در این حکم تأثیری داشته باشد.(۲)

مضمون روایت ابو عباس بقباق بهترین شاهد بر این مدعاست:

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قلت له: الطریق الواسع هل یؤخذ منه شی ء اذا لم یضر بالطریق؟ قال: لا، (۳) وی می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا می توان بخشی از راه پهن را مشروط به این که به رفت و آمد آسیبی نرساند، به تصرف درآورد؟ حضرت فرمود: نه.

۱-۲- ساخت مسجد

آیا می توان برای انجام مراسم عبادی، بخشی از سطح خیابان، پیاده رو، پارکینگ، بوستان و ... را گرفت و در آن، مسجد، نماز خانه، حسینیه و مانند آن ساخت؟

تا آن جا که بررسی های ما نشان می دهد، فقها بیشتر حکم وضعی (ضمان) این مسئله را مورد گفت وگو قرار داده، کمتر به بررسی حکم

تکلیفی (جواز و حرمت) آن پرداخته اند که می تواند ناشی از روشن بودن آن با توجه به مبانی فقهی باشد. با توجه به وجود دو مبنای فقهی در این موضوع، اگر کسی استفاده از اموال عمومی را در غیر از کاربری ذاتی آن ها به شرط عدم اخلال به آن و هم چنین آسیب ندیدن افراد جایز بداند، در این صورت، ساخت مسجد در سطح معابر هنگامی جایز خواهد بود که

۱- المبسوط فی فقه الامامیه، ۳/۲۷۶؛ المجموع فی شرح المهذب، ۱۵/۲۲۵.

۲- مواهب الجلیل، ۷/۱۱۹.

۳- تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، ۷/۱۲۹، شماره۵۵۶.

عرض معبر زیاد باشد و وجود آن باعث کندی و اخلال در امر رفت و آمد نشود و عبورکنندگان از سطح معبر نیز از وجود آن آسیب نبینند؛(۱) اما اگر کسی استفاده از اماکن عمومی را تنها در راستای کاربری تعریف شده ه آن ها جایز بداند، ساخت مسجد یا هر بنای مذهبی دیگر در سطح معابر و گذرگاه های عمومی، هرچند به خاطر پهن بودن معبر، اخلالی در امر آمد و شد ایجاد نکند و وجود آن خطرساز هم نباشد، جایز نخواهد بود.

در هر دو صورت، اگر کسی با کسب مجوز از مراکز دولتی (امام) و یا بدون آن، اقدام به ساخت مسجد در معابر عمومی کند و کسی به سبب وجود آن بنا در آن مکان آسیب ببیند، چه کسی مسئول جبران خسارت اوست؟

علامه حلّی بر این باور است که اگر کسی در گذرگاه مسجدی بسازد و این کار باعث آسیب دیدن فرد یا افرادی شود، سازنده مسجد ضامن است.(۲) این فتوا اطلاق دارد و شامل دو صورت پهن

بودن عرض گذرگاه و کم پهنا بودن آن می شود.(۳)

شهید ثانی با فرض ساخت مسجد در مکانی که به طور عادی کسی از وجود آن آسیب نمی بیند، معتقد است اگر کسی به طور اتفاقی از وجود مسجد در چنین مکانی آسیب دید، دو احتمال تصور دارد: عدم ضمان از آن جهت که شک در تحقق تجاوز به حریم عمومی داریم و ضمان از آن جهت که ساخت این بنا بر فرض جواز، مشروط به ضمان بوده است.(۴)

۱- شرح الازهار، ۳/۴۸۱.
۲- قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ۳/۶۵۵.
۳- کشف اللثام، ۲/۴۸۷.
۴- مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ۱۵/۳۶۳.

ابن نووی از فقهای اهل سنت مدعی است اگر در شرایط عادی، ساخت این مسجد در گذرگاه باعث آسیب دیدن دیگران نمی شود، در صورت آسیب دیدن احتمالی یک فرد، سازنده مسجد اگر با کسب مجوز از دستگاه های دولتی (امام) اقدام به ساخت آن کرده باشد، مسئول جبران خسارت او نیست.(۱)

نقد و بررسی: به نظر ما، اگر ساخت مسجد با کسب مجوز از مراکز مسئول بوده است، ضمان متوجه مراکز صادر کننده مجوز است و چنان چه فرد یا افرادی بدون کسب مجوز به ساخت مسجد یا هر مکان مذهبی دیگر در سطح معابر عمومی اقدام کنند، خود مسئول جبران خسارت فرد یا افراد آسیب دیده خواهند بود.

۱-۳- ساخت سایه بان

اشاره

بر اساس یافته های ما، در منابع فقهی، از سه نوع سایه بان سخن به میان آمده و درباره ساخت آن ها در

گذرگاه های عمومی (طریق نافذ) بحث شده است:(۲)

- ساباط: سایه بانی است ثابت در امتداد عرض خیابان که دو سوی آن را پوشش می دهد؛

- جناح: سایه بانی است در امتداد عرض خیابان یا پیاده رو و دارای پایه های ثابت در سطح گذرگاه؛

۱- المجموع فی شرح المهذب، ۱۹/۲۱.

۲- اختصاص دادن بحث به گذرگاه های عمومی از آن جهت است که از نظر فقها، خیابان های بن بست هم چون خیابان های باز نبوده، احداث پیش آمدگی در آن ها منوط به اجازه همه مالکان است؛ برای اطلاع بیشتر، ر.ک: فقه الصادق فی شرح التبصره، ۱۹/۴۷۴.

- روشن: سایه بانی است در امتداد عرض خیابان یا پیاده رو بدون پایه های ثابت در سطح گذرگاه.

شایان ذکر است که در برخی از منابع فقهی، افزون بر جنبه سایه بان بودن این موارد، بحث ساخت و ساز بر روی آن ها نیز مطرح شده است که در این صورت، موضوع بحث، پیاده روهای مسقّف (رواق) خواهد بود.(۱)

۱-۳-۱- حکم تکلیفی

آیا اهالی خیابان (اهل السکه) می توانند در مقابل درِ منزل یا دکّان خود، یکی از این سه نوع سایه بان را نصب کنند؟

در پاسخ به این سؤال، دو نظریه جواز مشروط و حرمت مطلق مطرح شده است:

نظریه اول، جواز مشروط: فقهای طرفدار این نظریه برای اثبات جواز، یکی از دو شرط زیر را معتبر دانسته اند:

الف) فقدان ضرر: از نظر برخی از فقها، هنگامی نصب سایه بان در سطح گذرگاه جایز است که این کار باعث آسیب دیدن دیگران نشود؛(۲) در غیر این صورت، نه تنها این کار جایز نیست، (۳) بلکه در صورت ساخت،

۱- «الروشن و الجناح یشترکان فی إخراج خشب من حائط المالک إلی الطریق بحیث لایصل إلی الجدار المقابل و یبنی علیها، ولو وصلت فهو الساباط. و ربّما فرّق بینهما بأن الأجنحه ینضم إلیها مع ما ذکر أن توضع لها أعمده من الطریق»؛ «لمن له دار مجاوره لسکه نافذه أن یخرج فی أعلی الحائط خشبا و یسقفها و یبنی علیها متی شاء إذا رفع ذلک عن رؤس المارّه رفعا بیّنا، و هو الّذی عنی بالروشن»؛ ر.ک: مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ۴/۲۷۵؛ مواهب الجلیل بشرح مختصر خلیل، ۷/۱۴۶.

۲- المجموع فی شرح المهذب، ۱۳/۳۹۶ جناح؛ قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ۳/۶۵۵؛ تحریر الاحکام، ۲/۲۶۵؛ ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، ۴/۶۶۴ (روشن، جناح، ساباط).

۳- روضه الطالبین، ۳/۴۳۸-۴۳۹ جناح و ساباط.

می باید نسبت به تخریب آن نیز اقدام کرد.(۱)

طرفداران این نظریه بر این باورند که تنها سطح معابر جزء اموال عمومی به حساب می آید و فضای هوایی این اماکن مالک ندارد و مانعی برای استفاده از آن ها جز آسیب عابران (تضرر مارّه) نیست.(۲) با فقدان مانع و وجود مقتضی، تصرف در فضای هوایی گذرگاه ها جایز خواهد بود.

کسانی که تنها مضر نبودن را شرط جواز نصب سایه بان در گذرگاه های عمومی می دانند، برای مخالفت دیگران با نصب آن اثری قائل نیستند و معتقدند حتی اگر همسایگان یا سایر افراد با چنین کاری مخالفت کنند، نمی توان از احداث آن جلوگیری یا پس از

احداث، نسبت به تخریب آن اقدام کرد، (۳) چرا که در خلال قرون گذشته، مردم به این روش رفتار می کرده اند.(۴)

ب) فقدان ضرر و معارض: در برخی از متون فقهی، به جز مضر نبودن نصب سایه بان، شرط دیگری نیز برای جواز نصب آن معتبر دانسته شده است. از نظر این فقیهان، هنگامی می توان سایه بان نصب کرد که به جز مضر نبودن، هیچ یک از همسایگان یا عابران با نصب آن مخالف نباشند.(۵)

پیروان این نظریه بر این باورند که گذرگاه ها از جمله اماکن عمومی به حساب می آیند و همه به طور یکسان حق استفاده از آن ها را دارند.

ص:۴۷

۱- المجموع فی شرح المهذب، ۱۳/۳۹۶؛ کشاف القناع، ۳/۴۷۴.

۲- الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، ۲۱/۱۱۸؛ تذکره الفقهاء، ۲/۱۸۲.

۳- الجامع للشرایع، ۳۰۷.

۴- الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ۳/۳۳۹؛ تذکره الفقهاء، ۲/۱۸۱؛ فتح العزیز فی شرح الوجیز، ۱۰/۳۰۸.

۵- الخلاف، ۳/۲۹۴؛ المبسوط فی فقه الامامیه، ۲/۲۹۱؛ جامع الخلاف و الوفاق، ۳۱۱.

بنـابراین، حتی اگر یـک نفر از اسـتفاده دیگران رضـایت نداشـته باشـد، بـاعث می شود اسـتفاده آنان، تصـرف در مال دیگری (غصب) تلقی گردد و حرام باشد.(۱)

تعریف ضـرر: صـرف نظر از درستی یـا نـادرستی این نظرات، این پرسـش به ذهن می رسـد که منظور از مضـر نبودن سایه بان چیست؟

برخی بر این باورند که نصب سایه بان هنگامی برای دیگران مضـر به حساب نمی آید که دارای ارتفاع مناسبی از سـطح زمین باشد(۲) و

برای عابران مزاحمتی ایجاد نکند؛ اما به نظر می رسد که جنبه آسـیب زنندگی سایه بان تنها به ارتفاع آن خلاصه نمی شود(۳) و بسته به ویژگی فنی گذرگاه(۴) و نوع وسایل نقلیه یا افرادی که به طور معمول از آن جا عبور می کنند، قابل تغییر است.(۵)

نظریه دوم، حرمت مطلق: در برابر دیـدگاه جواز، این نظر هم در متون فقهی مطرح شـده است که نصب سایه بان به هر شـکلی که باشـد، هرچنـد بـاعث آسـیب دیـدن وسایـل نقلیه یا عابران نیز نشود، جایز نخواهـد بود؛ زیرا احـداث چنین بنایی در سـطح گذرگاه های عمومی، تجاوز به حریم عمومی است و ایجاد سازه در ملک دیگران تلقی می شود.(۶)

۱- الخلاف، ۳/۲۹۵؛ جامع الخلاف و الوفاق، ۳۱۱؛ غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع، ۲۵۴.

۲- تحریر الاحکام، ۲/۱۳۴ ساباط، جناح، روشن؛ الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ۳/۳۳۹.

۳- فتح العزیز فی شرح الوجیز، ۱۰/۳۱۰.

۴- روضه الطالبین، ۳/۴۳۹.

۵- کفایه الاحکام، ۱۱۷؛ مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ۴/۲۷۵.

۶- المغنی، ۵/۳۳.

نقد و بررسی: با توجه به توضیحات گذشته، هر گونه خروج از ملک شخصی و ورود به حریم عمومی از طریق نصب سایه بان و ساخت وساز بر روی آن جایز نیست، هرچند در امر آمد و شد وسایل نقلیه و عابران پیاده خللی ایجاد نکند و آسیبی هم به آن ها وارد نسازد؛ زیرا جواز و عدم جواز استفاده از فضای هوایی مکان های عمومی هم چون معابر، تابع جواز و عدم جواز استفاده از سطح زمینی (قرار) آن هاست(۱) و چون احداث بنا در سطح معابر و استفاده

اختصاصی از آن ها برای هیچ کس جایز نیست، چنین حقی در استفاده از فضای هوایی معابر نیز برای هیچ کس وجود نخواهد داشت.(۲)

افزون بر این، برخی از فقها معتقدند که اگر ساخت چنین سازه هایی جایز باشد، نمی توان سازنده آن ها را در برابر خسارتی که عابران یا وسایل نقلیه از وجود یا تخریب آن ها متحمل می شوند، مسئول دانست(۳) و حال آن که - چنان که خواهد آمد - تردیدی در ضمان وی نیست.

گفتنی است که با پذیرش حرمت استفاده شخصی از فضای هوایی معابر و ساخت سازه در آن، دیگر نمی توان از طریق مصالحه با افراد حقیقی یا حقوقی و پرداخت وجه (عوارض)، مجوز انجام چنین کاری را

۱- الخلاف، ۳/۲۹۵؛ غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع، ۲۵۴؛ المجموع فی شرح المهذب، ۱۳/۳۹۸.

۲- با این توضیح، دیگر مجالی برای این سخن باقی نمی ماند: «العمده فی ذلک کلّه هو إباحه الهواء و أنّه غیر مملوک هنا للمارّه و لا ـ لغیرهم، فلامانع من التصرّف فیه إلاّ علی وجه یتضرّر به المارّه»؛ ر.ک: الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، ۲۱/۱۱۸.

۳- الخلاف، ۳/۲۹۵؛ غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع، ۲۵۴؛ جامع الخلاف و الوفاق، ۳۱۱.

به دست آورد.(۱) مواد ۷، ۸ و۹ آئین نامه پیش آمدگی های ساختمانی در گذرها مصوب ۱۳۱۸ ناظر به همین مطلب است:

ماده ۷: نصب لوله بخاری به دیوار خارجی که مشرف به گذر است و یا خروج آن از دیوار ممنوع است.

ماده ۸: ریزش آب ناودان و امثال آن به سطح پیاده رو ممنوع بوده و انتهای این قبیل مجاری باید طوری باشد که

آب آن ها از زیر سطح پیاده رو عبور نماید.

ماده ۹: نصب کفش پاك کن جلو درب خانه ها و مغازه ها و غیره در گذرها و پیاده روها و نصب تیر و ستون ممنوع است.(۲)

۱-۳-۲- حکم وضعی

صرف نظر از این که ورود به حریم عمومی و ایجاد سازه در آن، جایز باشد یا نباشد، چنان چه وجود یا تخریب تمام یا بخشی از آن سازه باعث آسیب دیدن عابران شود، سازنده آن سازه مسئول جبران ضرر و زیان وارد شده به آن افراد خواهد بود.(۳)

۲- باز کردنِ در به معابر

از جمله مسائلی که در متون فقهی مورد بحث قرار گرفته است، باز کردن در از املاك خصوصی به معابر است (فتح باب). آیا می توان از درون ملك خود، در یا پنجره ای را به سوی خیابان یا پیاده رو گشود؟

بنا بر مبنای مشهور در میان فقها، تردیدی نیست که اگر گشودن در یا

۱- الجامع للشرایع، ۳۰۷؛ تذکره الفقهاء، ۲/۱۹۵.

۲- مجموعه قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری، ۱۱۴۴.

۳- الخلاف، ۳/۲۹۵؛ الوسیله الی نیل الفضیله، ۴۲۶؛ غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع، ۲۵۴؛ جامع الخلاف و الوفاق، ۳۱۱؛ تحریر الاحکام، ۲/۲۶۵؛ قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ۳/۶۵۵.

پنجره به سوی معابر عمومی، باعث اختلال در عبور و مرور وسایل نقلیه و عابران پیاده یا موجب آسیب دیدن آن ها شود، جایز نخواهد بود.(۱) در نتیجه، این ادعا که هرکس به هر گونه که بخواهد می تواند از ملك خود به طرف خیابان در باز کند، نمی تواند به اطلاق خود

درست باشد.(۲)

اما به نظر ما، باز کردن در یا پنجره حتّی در صورتی که باعث اختلال در عبور و مرور وسایل نقلیه و عابران پیاده یا موجب آسیب دیدن آن ها نیز نشود، هنگامی جایز است که تجاوز به حریم معابر و استفاده اختصاصی از آن ها به حساب نیاید. ماده ۶ آئین نامه پیش آمدگی های ساختمانی در گذرها مصوب ۱۳۱۸ ناظر به همین مطلب است:

کار گذاردن در و پنجره که به طرف گذر باز و در موقع باز شدن، از سطح نما تجاوز می نماید، ممنوع است.(۳)

هم چنین در قسمت مقررات و قوانین استفاده از زمین در طرح تفصیلی و جامع شهر مشهد، در تعریف حریم گذرگاه آمده است:

هیچ ساختمان یا اجزاء ساختمان نبایستی از حد بر و حریم گذرگاه و اراضی عمومی و هم چنین از مرز مالکیت زمینی که در آن ساخته می شود، تجاوز کند.(۴)

۳- حفاری

اشاره

از جمله مشکلات معابر عمومی، حفاری هایی است که با عمق های

ص:۵۱

۱- الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ۳/۳۳۹.

۲- فتح العزیز فی شرح الوجیز، ۱۰/۳۰۸؛ روضه الطالبین، ۳/۴۳۹.

۳- مجموعه قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری، ۱۱۴۴.

۴- طرح تفصیلی مشهد، ۲/۹۱.

متفاوت و با انگیزه های گوناگون انجام می شود:

۳-۱- با انگیزه های شخصی

تردیـدی نیست که حفـاری در سـطح معـابر عمومی بـا انگیزه هـای شخصـی، تصـرف غیر مجاز در اموال عمومی است و جایز نخواهد بود.(۱) بدیهی است چنان چه هر

شخص حقیقی یا حقوقی به چنین کاری اقدام کند و کسـی به واسـطه آن آسیب ببیند، بسته به مورد، کسی که حفاری کرده یا به دستور او این کار انجام شده، ضامن است و می باید خسارت فرد آسیب دیده را جبران کند.

۳-۲- با انگیزه های عمومی

در برخی موارد، این حفاری ها برای خدمت به مردم یا بهینه سازی سطح معبر صورت می گیرد.(۲)

تردیـدی نیست که انجـام این حفـاری ها بـدون مکان یابی مناسب یا مراعات ایمنی عابران، جایز نخواهـد بود، زیرا آسـیبی که شهرونـدان از ایجـاد آن ها می بیننـد، می توانـد بیشتر از سود احتمالی آن باشـد؛ اما اگر با مکان یابی مناسب و مراعات نکات ایمنی، اقدام به حفاری در سطح معابر شود، چنین کاری از نظر فقهی جایز خواهد بود.(۳)

۱- تذکره الفقهاء، ۲/۱۹۵.

۲- تذکره الفقهاء، ۲/۱۹۵.

۳- علامـه حلّی قرن ها پیش، حفاری با انگیزه های عمومی را چنین توضـیح می دهـد: «و لو أراد حفرها للمسـلمین و نفعهم أو لینتفع بهـا الطریق بـأن یحفرهـا لیسـتقی النـاس من مائهـا و یشـرب منه المـارّه أو لینزل فیها ماء المطر عن الطریق، فإن تضـرّر بها المسـلمون أو کان الدرب ضـیقا أو یحفرها فی ممرّ النّاس بحیث یخاف سقوط انسان فیها أو دابّه أو یضیق علیهم ممرّهم لم یجز ذلـک، لأنّ ضـررها أکثر من نفعها. و إن حفرها فی زاویه من طریق واسع و جعل علیها ما یمنع الوقوع فیها، فالأقرب الجواز لأنّه نفع لا ضرر فیه»؛ تذکره الفقهاء، ۲/۱۹۵.

هرچنـد از نظر حقـوقی، جـواز و عـدم جواز انجـام این حفـاری هـا به تنـاسب شـرایط اجرای آن هـا متفـاوت است، امـا آیـا در مسئولیت (ضمان) نیز همین تفاوت وجود دارد؟

برخی از فقها بر این باورند که مسـئولیت هر گونه حفاری در سـطح معابر، حتّی اگر به منظور خدمت رسانی به شهروندان یا به سازی

وضعیت راه نیز باشد (مصالح عامه)، بر عهده کسی است که اقدام به چنین کاری می کند.(۱)

در برابر، محقق اردبیلی معتقـد است که اگر این حفاری ها در راسـتای خدمات عمومی باشد، متصدی حفاری در برابر آسـیب دیدگی های احتمالی افراد مسئولیتی ندارد و ضامن نیست.(۲)

ابن نووی احتمال سومی را مطرح کرده است. از نظر او، اگر این حفاری ها در راستای خدمت رسانی به مردم و با کسب اجازه از دستگاه های دولتی مرتبط (امام) انجام شده باشد، متصدی حفاری مسئولیتی در برابر آسیب دیدگی افراد ندارد.(۳)

نقد و بررسی: به نظر ما، هیچ یک از شهروندان مجاز نیستند در سطح معابر عمومی به نفع خود یا مردم، اقدام به حفاری کنند، حتی اگر این کار

ص:۵۳

۱- الوسیله الی نیل الفضیله، ۴۲۶؛ قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ۳/۶۵۵؛ تذکره الفقهاء، ۲/۱۹۵.

۲- مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان ه، ۱۴/۲۵۸.

۳- المجموع فی شرح المهذب، ۱۹/۲۱.

باعث آسیب دیدن عابران نیز نشود؛(۱) زیرا در هر دو صورت، مستلزم تجاوز به حریم اموال عمومی است و داشتن حق استفاده از سطح معابر تنها ناظر به کاربری متعارف آن هاست، نه هر نوع تصرف و استفاده ای حتی در غیر از کاربری.(۲)

دستگاه های دولتی مجاز هستند بنا به مصالح عمومی، اقدام به چنین کاری نمایند، اما باید توجه داشت که جواز حفاری برای آن ها در صورت احراز ضرورت انجام آن، رافع مسئولیت حقوقی آن ها در تأمین خسارت آسیب دیدگان نیست؛ زیرا خطرساز نبودن حفاری در هنگام شروع و نیاز جامعه به انجام آن، دلیل بر جواز عمل است نه عدم مسئولیت و ضمان. برای اثبات این مطلب می توان به اطلاق مضمون این روایات استناد کرد:

- روایت سماعه: و أمّا ما حفر فی الطریق أو فی غیر ما یملك فهو ضامنٌ لما یسقط فیه؛(۳) اما اگر چاهی را در راه یا در خارج از ملك خود حفر کند، ضامنِ چیزی است که در آن سقوط می کند.

- روایت زراره: کلّ من حفر فی غیر ملکه کان علیه الضمان؛(۴) هرکس در خارج از ملك خود، چاهی حفر کند، ضمان کسی که از آن آسیب می بیند، بر عهده اوست.

- روایت سکونی: من أخرج میزابا أو کنیفا أو أوتد وتدا أو أوثق دابه

۱- هدایه العباد، ۲/۲۷۶، شماره۹۵۷؛ خویی، منهاج الصالحین، ۲/۱۶۰، شماره۷۴۸؛ روحانی، منهاج الصالحین، ۲/۱۷۹، شماره۷۱۴؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ۲/۲۶۶، شماره۹۳۶.

۲- با این توضیح، دیگر جایی برای حکم به جواز حفر چاه بالوعه در سطح معابر عمومی به استنادِ داشتن حق ارتفاق باقی نمی ماند؛ ر.ك: تحریر الوسیله، ۲/۲۰۹.

۳- الکافی، ۷/۳۴۹، شماره۱.

۴- الکافی، ۷/۳۵۰، شماره۷.

أو حفر شيئا فی طریق المسلمین فأصاب شیئا فعطب، فهو له ضامنٌ؛(۱) هرکس ناودان یا فاضلاب خانه اش را به گذرگاه مسلمانان باز کند یا در گذرگاه میخی بکوبد یا حیوانی را ببندد یا چاهی حفر کند و کسی با آن برخورد کند

و تلف شود، ضامن است.

در ماده ۱۵ آئین نامه پیش آمدگی های ساختمانی در گذرها مصوب ۱۳۱۸ چنین آمده است:

کندن سطح گذرها و پیاده رو جهت کاشتن درخت و مجاری آب یا لوله کشی و سیم گذاری و غیره بدون پروانه شهرداری ممنوع است.(۲)

۴- خرید و فروش

دست فروشی از جمله مشاغل اجتماعی و روش های کسب درآمد است. بالا بودن هزینه خرید یا اجاره دکان و هم چنین هزینه های جانبی آن باعث می شود که عده ای فرصت انجام تبادلات اقتصادی را در بنگاه های کوچک یا بزرگ نیابند و از اماکن عمومی هم چون خیابان ها برای انجام کارهای بازرگانی استفاده کنند. دست فروشان به علت پایین بودن هزینه هایشان، کالاهای خود را با قیمتی ارزان تر از بنگاه ها (دکان ها) عرضه می کنند و در نتیجه، اقبال عمومی برای خرید از آن ها در برخی موارد بیشتر است. این خود به عاملی برای ایجاد چالش میان صاحبان بنگاه ها و فروشندگان دوره گرد تبدیل می شود.

به هر حال، برای فقهای مسلمان از دیرباز این پرسش مطرح بوده

۱- الکافی، شماره۸.

۲- مجموعه قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری، ۱۱۴۵.

است که آیا می توان از خیابان برای خرید و فروش استفاده کرد؟

پیش از طرح پاسخ ها، توجه به این نکته ضروری است که هرچند در متون فقهی از عنوان «شارع» و «طریق» استفاده شده است که معادل آن ها کلمات «خیابان» و «راه» می باشد، اما با توجه به تفکیک

دو معبر پیاده رو و سواره رو در زمان ما، این بحث تنها به سطح خیابان اختصاص نداشته، در مورد پیاده روها نیز جاری است.

با بررسی منابع فقهی، به پاسخ های کم و بیش مشابهی برمی خوریم:

۱- اگر سطح معبر وسیع باشد و آسیبی هم به عابران نرسد، خرید و فروش جایز است.(۱)

۲- اگر سطح معبر وسیع باشد، خرید و فروش جایز است.(۲)

۳- اگر کار دست فروشان و برخی از عابران به سایر افرادی که از سطح گذرگاه استفاده می کنند، آسیبی وارد نسازد (عدم ضرر)، خرید و فروش جایز است.(۳)

آن گونه که مرحوم شهید ثانی نیز تصریح می کند، نظریه دوم، نظریه مشهور میان فقهاست. بنابراین، در معابر با عرض کم (ضیق) که توقف برای خرید و فروش باعث کندی عبور و مرور می شود، پهن کردن بساط و اقدام به فروش کالاـ جایز نیست.(۴)

هرچند در فتوای مشهور سخنی از آسیب نزدن (عدم ضرر) به میان نیامده است، اما به نظر می رسد عدم ذکر آن به دلیل عدم اعتبار آن نبوده

۱- الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ۷/۱۸۱.

۲- قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ۲/۲۷۰.

۳- تذکره الفقهاء، ۲/۴۱۱.

۴- مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ۱۲/۴۳۰؛ کفایه الاحکام، ۲۴۲؛ مکارم، القواعد الفقهیه، ۲/۱۵۱.

است، بلکه مسلّم بودن اعتبار آن باعث عدم ذکرش گردیده است؛ چرا که شرط هر حکم تکلیفی - به جز احکامی که موضوع

آن ها ضرر است - عدم ضرر بوده و به همین دلیل، قاعده لاضرر حاکم بر ادله احکام تلقی شده است.

هم چنین بعید نیست که عنوان «ضرر» در نظریه سوم، اعم از «ضرر» به مفهوم اصطلاحی باشد و تضییق در عبور و مرور را نیز در بر گیرد.

با توجه به این دو توجیه درباره نظریه دوم و سوم، فتوای نخست جامع دو نظر دیگر به نظر می رسد و با آن چه پیش از این درباره بهره برداری از منافع غیر غالب گذرگاه های عمومی گفتیم، مطابقت دارد؛ زیرا پیش از این توضیح دادیم که از نظر بیشتر فقها، گذرگاه ها مکان های چند منظوره ای هستند که کاربرد غالب آن ها عبور و مرور است و استفاده از آن ها برای سایر امور، مشروط به آسیب نزدن به عابران و هم چنین عدم اختلال در امر آمد و شد است.

نقد و بررسی: کسانی که به جواز استفاده از معابر عمومی برای خرید و فروش معتقد هستند، برای اثبات این دیدگاه، به مرسوم بودن این کار در طول قرون گذشته (عادت)(1) و هم چنین پیدا کردن حق ارتفاق نسبت به دیگران(2) استناد کرده اند؛ اما به نظر ما، گذرگاه های عمومی، اعم از خیابان، پیاده رو، زیرگذر، پل هوایی و ...، مکان هایی برای تردد وسایل نقلیه و عابران پیاده هستند و هر گونه استفاده از آن ها در غیر از عبور و مرور جایز نیست، هرچند که سطح معبر وسیع

باشد و اختلالی در عبور و

۱- قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ۲/۲۷۰؛ مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ۱۲/۴۳۰؛ کفایه الاحکام، ۲۴۲؛ مکارم، القواعد الفقهیه، ۲/۱۵۱.

۲- تذکره الفقهاء، ۲/۴۱۱.

مرور به وجود نیاید و آسیبی هم به افراد و سایل نقلیه وارد نشود. بنابراین، آن چه شهید ثانی از آن به عنوان نظریه غیر مشهور یاد می کند (منع مطلقا)، درست تر به نظر می رسد.(۱)

ماده ۱۴ آئین نامه پیش آمدگی های ساختمانی در گذرها مصوب ۱۳۱۸ نیز ناظر به همین مطلب است:

پهن کردن بساط و گذاردن اشیاء و اوراق و یا ادوات کار و یا اجناسی برای فروش در پیاده رو گذرها و یا مقابل مغازه ها و خانه ها و مساجد ممنوع است.(۲)

استناد به عادت و عرف نیز مجوزی برای این کار نخواهد بود، زیرا بر فرض که چنین امری در زمان های گذشته مرسوم بوده باشد، با تحولی که امروزه در وسایل نقلیه و سرعت تردد آن ها و هم چنین تفکیک خیابان از پیاده رو صورت گرفته است، آن عادت و سیره موضوعیت خود را از دست داده، قابل استناد نخواهد بود؛ هم چنان که ادعای ایجاد حق ارتفاق نسبت به دیگران نیز پذیرفتنی نیست، زیرا گذرگاه های عمومی مکان هایی هستند تک منظوره و با کاربری خاص و حق ارتفاق تنها در راستای همین کاربرد قابل تصور است، نه نسبت به کاربردهای جانبی. در این صورت، خرید کالا ـ از کسانی که در گذرگاه های عمومی اقدام به فروش کالاهای خود می کنند، جایز نخواهد بود، (۳) هرچند معامله انجام شده صحیح بوده، باطل نیست.

ص: ۵۸

۱- مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ۱۲/۴۳۰.
۲- مجموعه قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری، ۱۱۴۵.
۳- المغنی، ۶/۱۶۳.

۵- اتراق کردن

اشاره

یکی از مسایلی که در استفاده از معابر عمومی مطرح است، نشستن (جلوس) در آن هاست. هرچند نشستن در گذرگاه ها معمولاً به منظور خرید و فروش انجام می شود، ولی می توان آن را بدون این جهت نیز بررسی کرد.

۵-۱- حکم تکلیفی

برخی از فقها بر این باورند که نشستن و اتراق کردن در معابر عمومی اگر برای عابران مزاحمتی ایجاد نکند (مضر نباشد)، با هر انگیزه ای که انجام شود، جایز خواهد بود.(۱) جای تردید نیست که اگر این نشستن در روند عبور و مرور اختلال ایجاد کند (مضر باشد)، دیگر جایز نخواهد بود و دولت (امام) هم مجاز نیست در مقابل گرفتن پول (عوارض) و یا بدون آن، حق چنین استفاده ای را به افراد واگذار کند (تمکین).(۲)

۵-۲- جابه جا کردن

اگر نشستن فردی در کنار گذرگاه برای دیگران مزاحمتی ایجاد نکند، آیا می توان او را از جای خود بلند کرد؟

گروهی از فقها معتقدند در چنین فرضی که نشستن فرد نه خطری برای دیگران ایجاد می کند و نه در امر آمد و شد خللی وارد می سازد، نمی توان او را از جای خود بلند کرد.(۳)

۱- جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۳۸/۸۴.

۲- المغنی، ۶/۱۶۳؛ الشرح الکبیر، ۶/۱۷۲.

۳- جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۷/۳۶؛ تذکره الفقهاء، ۲/۴۰۵؛ کفایه الاحکام، ۲۴۲.

در این حالت، عابر مجاز نیست مسیر حرکت خود را به گونه ای انتخاب کند که از محلی که آن فرد نشسته است، عبور کند، چرا که هر

دوی آن ها به یک اندازه حق استفاده از معابر عمومی را دارند.(۱)

حال اگر عابر بخواهد با سرسختی از محل نشستن دیگری عبور کند و این عبور خسارتی به دنبال داشته باشد، ممکن است بگوییم عابر (وسیله نقلیه یا فرد) ضامن است، زیرا نشستن از جمله انواع بهره برداری از گذرگاه های عمومی است، و ممکن است بگوییم فردی که نشسته است، مسئول پرداخت خسارت است، چرا که غرض اصلی از تأسیس معابر عمومی، عبور و مرور است.(۲)

۵-۳- اختلاف در گزینش مکان

در فرضی که نشستن در گذرگاه را به شرط عدم مزاحمت، عملی مشروع بدانیم، این پرسش به وجود می آید که اگر دو یا چند نفر مایل باشند در یک مکان خاص بنشینند، کدام یک از این حق برخوردارند؟

برخی از فقها معتقدند در صورتی که امکان نشستن هر دوی آن ها در آن مکان نباشد، (۳) برای انتخاب این که چه کسی حق نشستن در آن مکان را دارد، باید میان آن ها قرعه انداخت.(۴)

هم چنین در این فرض، این پرسش مطرح می شود که اگر فردی که

ص:۶۰

۱- الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ۳/۷۰؛ الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ۷/۱۸۱.

۲- جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۳۸/۷۷.

۳- ایضاح الفوائد، ۲/۲۳۶.

۴- قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ۲/۲۷۰؛ تذکره الفقهاء، ۲/۴۰۵.

نشسته است، برای انجام کاری از جای خود بلند شود، آیا دیگری حق دارد در جای وی بنشیند؟

در پاسخ به این سؤال گفته شده است که با برخاستن، حق شخص

در استفاده از آن مکـان از بین می رود، مگر آن که پیش از ترک محل، توشه یا بخشـی از لوازم خود (رحل) را در آن مکان باقی بگذارد که در این صورت، نسبت به دیگران، در استفاده از آن مکان اولویت خواهد داشت.(۱) اما به نظر برخی، صرفِ به جا گذاشتن توشه برای اثبات حق استفاده از آن مکان کافی نیست، بلکه می بایـد شـخص قصد بازگشت هم داشته باشد، زیرا عدم قصد بازگشت، به مفهوم اعراض از حق خود است، هرچند توشه ای هم از خود به جا گذاشته باشد؛ افزون بر این که این حق به مقتضای روایت طلحه بن زیـد، تا انتهای همان روز باقی است و با فرا رسـیدن شب، دیگر حقی برای استفاده از آن مکان باقی نمی ماند:(۲)

سوق المسلمین کمسجدهم، فمن سبق إلی مکان فهو أحق به إلی اللیل، (۳) بازار مسلمانان همچون مسجد آن ها است، هرکس زودتر به مکانی برسد، حق او برای استفاده از آن مکان تا شب بیش از دیگران است.

هم چنین این احتمال وجود دارد که بگوییم داوری در این باره به مـدت زمان ترک مکان بسـتگی دارد. اگر این زمان طولانی باشد، حق وی در استفاده از آن مکان از بین خواهد رفت و چنان چه زمان کوتاه باشد، این

۱- قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ۲/۲۷۰؛ تذکره الفقهاء، ۲/۴۰۵؛ الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ۳/۷۰.

۲- کفایه الاحکام، ۲۴۲.

۳- الکافی، ۲/۶۶۲، شماره۷.

حق هم چنان باقی خواهد بود.(۱)

۵-۴- ایجاد آفتاب گیر

کسی که در کنار یک گذر می نشیند، در شرایط مختلف آب و هوایی، نیازمند وسایلی است که او را از سرما و گرما محافظت کند. در برخی از منابع فقهی، این پرسش مطرح شده است که آیا چنین کسی حق دارد برای دور ماندن از تابش مستقیم آفتاب بر سر خود، با پارچه یا چیزی شبیه به آن، آفتاب گیر بسازد؟

با توجه به مبانی گذشته، پاسخ این سؤال نیز روشن است. اگر چنین کاری در عبور و مرور اختلال ایجاد نکند و باعث آسیب دیدن عابران نیز نشود، جایز خواهد بود و در غیر این صورت، جایز نبوده، باید برچیده شود.(۲)

هم چنین درباره بهره مندی از سایر امکانات گرمایشی و سرمایشی، هرچند در متون فقهی سخنی به میان نیامده است، به نظر می رسد که حکم آن ها نیز مشخص باشد.

نقد و بررسی: مبنای نظرات بالا، جواز استفاده از گذرگاه های عمومی در غیر از آمد و شد است که با تردید در صحت آن، باقی مطالب نیز اعتبار

۱- الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ۳/۷۰؛ الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ۷/۱۸۳.
۲- قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ۲/۲۷۰؛ ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، ۲/۲۳۶؛ تذکره الفقهاء، ۲/۴۰۵؛ الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ۳/۷۰؛ الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ۷/۱۸۳؛ مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ۱۲/۴۲۹؛ کفایه الاحکام، ۲۴۲؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۳۸/۸۱؛ فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب، ۱/۴۳۶.

خود را از دست خواهند داد.

همان گونه که پیش از این گذشت، گذرگاه ها مکان هایی هستند تنها برای عبور و مرور وسایل نقلیه و عابران پیاده و آن چه از جمله لوازم

عقلی یا عادی این کار به حساب می آید. در نتیجه، هر گونه استفاده از آن ها در غیر از عبور و مرور جایز نبوده، حرام است، هرچند برای دیگران مزاحمتی ایجاد نکند.

بر این اساس، تردیدی نداریم که باید فردی را که کنار خیابان یا پیاده رو اتراق کرده است، از جای خود بلند کرد؛ اما این وظیفه بر عهده نهادهای دولتی است، نه تک تک افراد. بنابراین، هیچ یک از افراد حق ندارند در معابر عمومی برای یکدیگر ایجاد مزاحمت کنند و در صورت ایجاد، هر کدام که عمدا به دیگری خسارت وارد کند، ضامن خواهد بود.

در این فرض، دیگر جایی برای طرح مسئله تمایل چند نفر برای نشستن در مکانی خاص و تعارض آن ها باقی نمی ماند تا برای حل آن، نیازمند قرعه باشیم، چرا که هیچ یک حق چنین کاری را ندارد.

هم چنین طرح بحث اولویت شخص در استفاده از مکانی که توشه خود را در آن باقی گذاشته و آن جا را ترک کرده است نیز بی معناست، زیرا وقتی در حدوث حقی نداشته باشد، به طریق اولی، در بقا نیز چنین حقی وجود نخواهد نداشت. بنابراین، به جا گذاشتن لوازم خود در یک مکان، هیچ گونه حقی برای استفاده دوباره از آن مکان ایجاد نخواهد کرد.

به نظر می رسد طرح این گونه مباحث، ناشی از هم سان پنداشتن بازار و خیابان است و حال آن که از نظر حقوقی، میان آن ها تفاوت است. خیابان مکانی است عمومی که با هدف عبور و مرور به وجود آمده است، اما بازار مکانی است عمومی که با هدف دادوستد شکل

گرفته است.

ص:۶۳

شیوه غـالب در بازارهـای گذشـته این بوده است که هرکسـی بـا پهن کردن بسـاط خود، کالاـ یـا کالاهـایی را به مشتریـان می فروخته است. در چنین سیسـتمی، حضور پیوسـته فرد در یـک مکـان در خلال هفته ها یا ماه ها می توانـد زمینه این پرسـش را فراهم کنـد که آیا او در مقایسه با دیگران، برای اسـتفاده از آن مکان اولویتی پیـدا کرده است؟ هم چنین ممکن است شـخص برای صـرف غذا، دست شویی، آوردن کالا و نظایر آن ها محل خود را ترک کند. حال این پرسـش قابل طرح است که آیا به جـا گذاشـتن وسایـل خود در یک مکان که عادتا نشانه بازگشت دوباره است، حق اسـتفاده از آن مکان را هم چنان برای وی محفوظ می دارد؟

بسـیار روشن است که در چنین بـازاری همه نقاط از ارزش یکسانی برخوردار نیسـتند، زیرا ساختار مکان، فاصـله آن با شـهر و فاصـله آن بـا ورودی و خروجی بـازار می توانـد در میزان مرغوبیت مکـان و جـذب مشتری اثرگـذار باشـد؛ بنابراین، جای این پرسش خواهد بود که در صورت تمایل چند نفر برای استفاده از یک مکان، چه باید کرد؟

این پرسـش ها از این جهت به وجود می آیـد که بازار مکانی برای خریـد و فروش کالاست و هر فروشـنده ای حق دارد از آن مکان به این منظور اسـتفاده کنـد؛ اما در مورد خیابان اساسا چنین حقی برای هیچکس وجود نـدارد تا به دنبال آن، مباحثی که پیش از این گذشت، قابل طرح باشد. با ملاحظه همین جهت است که اسـتناد به حدیث طلحه بن زید برای اثبات جواز استفاده از خیابان و هم چنین میزان

امتداد این حق، نادرست است.

بـا این توضـیح، دیگر نمی تـوان به تعریفی که محقـق کرکی از بـازار کرده است، اعتمـاد کرد. وی در تعریف بـازار چنین می نویسد:

المراد بالسوق المواضع التی یجلس بها للبیع و الشراء من المباح و ما

جری مجراه من الأسواق الموقوفه أو المأذون فیها عاما.(۱)

همـان گونه که ملاحظه می شود، از نظر ایشان، به هر مکان مباحی که افراد برای خریـد و فروش در آن جا می نشـینند، عنوان «بـازار» اطلاـق می شود؛ حـال آن که چنین نیست، زیرا این که در امـاکن عمومی هم می شود خریـد و فروش کرد، غیر از آن است که به این مکان ها بازار گفته شود.

صرف نظر از مبـاحث حقوقی ای که تـا کنون پیرامون نشسـتن در معـابر عمومی مطرح شـد، این عمـل از نظر اخلاـقی نیز کـار ستوده ای به حساب نمی آیـد، چرا که حضور بـدون دلیل در معابر می توانـد بستر مناسبی برای پیدایش برخی از ناهنجاری ها باشد.

از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره چنین نقل شده است:

إیّاکم و الجلوس فی الطرقات. قالوا: یا رسول اللّه، ما لنا بـدٌّ من مجالسـنا نتحدث فیها، قال: فإذا أبیتم إلّا المجلس فأعطوا الطریق حقه. قالوا: و ما حقّه؟ قال: غضّ البصر و کفّ الأذی و ردّ السّلام و الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر؛(۲) از نشستن

در راه ها بپرهیزیـد. مردم گفتنـد: ای رسول خـدا، چاره ای نداریم از این که در راه بنشـینیم و با یکدیگر سـخن بگوییم. پیامبر فرمود: اگر از نشستن چشم پوشی نمی کنید، دست کم حق راه را ادا کنید. پرسیدند: حق راه چیست؟

ص:۶۵

۱- جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۷/۳۵.

۲- صحیح بخاری، ۳/۱۰۳؛ صحیح مسلم، ۶/۱۶۵؛ سنن ابی داود، ۲/۴۳۹، شماره۴۸۱۵.

پیامبر فرمود: چشم از گناه فرو بستن، آزار نرساندن، پاسخ سلام دادن و امر به معروف و نهی از منکر.

۶- ایجاد لغزندگی

لغزنـده کردن سـطح معابر که می توانـد برای وسایل نقلیه یا عابران خطرساز باشد، جایز نیست. هرچند لغزندگی را می توان به شکل های مختلفی ایجاد کرد، در متون فقهی تنها به یکی از آن ها اشاره رفته است.

برای فقها این پرسـش مطرح بوده است که اگر کسی با پاشیدن آب بر سطح معابر، مسیر حرکت وسایل نقلیه یا عابران پیاده را لغزنده کند، آیا در برابر این عمل، مسئولیتی دارد و ضامن جبران خسارت افراد خواهد بود؟

تا آن جا که بررسی های ما نشان می دهد، در این مسئله نظرات مختلفی مطرح شده است:

۱- مسئولیت دارد؛(۱)

۲- در صورتی که برای سود و مصـلحت شخصـی خود چنین کنـد، مسـئولیت دارد، اما اگر به جهت مصالح عمومی باشد و به حد نیاز نیز

اکتفا کرده باشد، مسؤولیت نخواهد داشت؛(۲)

۳- اگر عابر عمدا در مسیر لغزنده حرکت کند، کسی که معبر را لغزنده کرده، مسئولیت ندارد.(۳)

شاید با ملاحظه همین جهت باشد که در منابع فقهی، بحث نصب

۱- المبسوط، ۲۷/۷.

۲- مغنی المحتاج الی معرفه معانی الفاظ المنهاج، ۴/۸۷.

۳- مغنی المحتاج الی معرفه معانی الفاظ المنهاج، ۴/۸۷.

ناودان (میزاب) و ریزش آب آن در سطح معبر مطرح شده است و در روایت سکونی، خسارت ناشی از آن را بر عهده کسی دانسته شده که اقدام به نصب آن کرده است:

من أخرج میزابا ... فی طریق المسلمین فأصاب شیئا فعطب فهو له ضامنٌ؛(۱) هرکس در گذرگاه های عمومی ناودان بگذارد ... و کسی به واسطه آن آسیبی ببیند، ضامن است.

نقد و بررسی: به نظر ما، ایجاد لغزندگی برای منافع شخصی، هم چون آب پاشی بیش از حد مقابل درِ دکان، منزل، مدرسه و ...، جایز نبوده، مسئولیت خسارت افراد بر عهده کسی است که اقدام به این کار کرده است؛ اما انجام این کار برای مصالح عمومی، هم چون شست وشوی معابر توسط شهرداری، هرچند جایز است، جواز انجام آن، از بین برنده مسئولیت و ضمان ناشی از آن نیست، مگر در جایی که عابران پیاده یا وسایل نقلیه از روی عمد و بدون توجه به اخطارهای موجود، با عبور از روی این سطوح، خسارت ببینند که در این صورت، جبران خسارت آن ها بر عهده کسی نیست.

هرچند یکی از راه های ایجاد لغزندگی در سطح معابر آب پاشیدن است، اما شاید بتوان تخلیه زباله را نیز از جمله این راه ها دانست. تردیدی نیست که تخلیه زباله در سطح معابر، از نظر بهداشتی، کار نادرستی است. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرمایند:

لا تؤوا التراب خلف الباب، فإنّه مأوی الشیطان؛(۲) خاک روبه را پشت درِ منزل نگذارید، چرا که جایگاه شیطان (جان داران موذی)

ص:۶۷

۱- من لایحضره الفقیه، ۴/۱۵۴، شماره۵۳۴۳.

۲- الکافی، ۶/۵۳۱، شماره۶.

است.

افزون بر این، چون تخلیه زباله و نظایر آن - همچون نخاله های ساختمانی - در معابر باعث می شود که وسایل نقلیه و عابران پیاده در هنگام حرکت، تعادل خود را از دست بدهند و آسیب ببینند، این کار حرام خواهد بود و فرد یا افرادی که چنین بکنند، مسئول جبران خسارت آسیب دیدگان هستند.(۱)

توجه به این نکته نیز لازم است که این عمل از آن جهت که باعث سد معبر می شود و در رفت و آمد مردم اختلال ایجاد می کند یا از آن جهت که استفاده غیر مجاز از معابر عمومی به شمار می آید نیز می تواند حرام باشد.

ماده ۱۳ از آئین نامه پیش آمدگی های ساختمانی در گذرها ناظر به همین مطلب است:

ریختن خاک حاصل از بنّایی در پیاده رو یا شوسه ممنوع و

باید به محلی که شهرداری معین می نماید، حمل شود.(۲)

هم چنین در ماده ۱۸۴ آئین نامه راهنمایی و رانندگی، این موضوع با اطلاق بیشتری بیان شده است:

ریختن شیشه، بطری، میخ، سیم حلبی، مایعات لزج و به طور کلی هر چیزی که باعث سد راه و ایجاد خطر و انحراف وسایل نقلیه از مسیر حرکت باشد، بر روی راه ها ممنوع است.(۳)

ص: ۶۸

۱- البحر الرائق، ۹/۱۱۱.
۲- مجموعه قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری، ۱۱۴۵.
۳- آموزش قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی، ۳۴.

نتایج

با توجه به توضیحاتی که پیش از این درباره کاربری گذرگاه های عمومی دادیم، به این نتایج می توان رسید:

۱. عابران پیاده مجاز نیستند برای عبور و مرور از سطح خیابان استفاده کنند.

۲. عبور موتور سیکلت، دوچرخه و هرگونه وسیله نقلیه دیگر در پیاده رو مجاز نیست.

۳. پارک هر نوع وسیله نقلیه در پیاده رو جایز نیست.

۴. اگر پارک خودرو در کنار خیابان مجاز باشد، اخذ حق پارکینگ از صاحبان خودرو جایز نیست.

۵. شهرداری مجاز نیست با گرفتن جریمه، عوارض و مانند آن، به شهروندان اجازه دهد از معابر عمومی برای کاری غیر از عبور و مرور استفاده کنند.

۶. اتراق کردن در معابر عمومی جایز نیست.

۷. پهن کردن بساط در معابر به منظور فروش کالا جایز نیست.

۸. خرید از فروشندگانی که در معابر عمومی اقدام به فروش کالا

می کنند، جایز نیست.

۹. ساخت یا نصب دکه، کیوسک در معابر عمومی جایز نیست.

۱۰. صاحبان مغازه ها مجاز نیستند:

- با گذاشتن میز و صندلی، از فضای پیاده رو به سود خود استفاده کنند، هرچند باعث سد معبر نگردد و به کسی هم آسیب وارد نشود؛

- کالاهای خود را برای عرضه به مشتری در سطح معابر نگهداری کنند؛

- تمام یا بخشی از ویترین خود را در داخل معابر بگذارند؛

- با نصب سایه بان، به حریم هوایی معابر تجاوز کنند.

۱۱. مالکان خانه ها مجاز نیستند:

- با ایجاد پیش آمدگی، تمام یا بخشی از فضای هوایی پیاده رو را اشغال کنند؛

- برف، باران و فاضلاب خانه خود را به سطح معابر عمومی انتقال دهند؛

- زباله و نخاله های ساختمانی خود را در معابر عمومی بریزند یا انباشت کنند.

۱۲. مسدود کردن تمام یا بخشی از معابر عمومی برای برپایی نماز به صورت فردی و جمعی یا برای برگزاری مراسم مذهبی یا توزیع نذورات همچون غذا، چای، شیر، شربت و ... جایز نیست.

کتاب نامه

۱. ابن حمزه، محمد بن علی، الوسیله الی نیل الفضیله، تحقیق محمد حسون، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸/۱۹۸۸.

۲. ابـن زهره حلی، حمزه بن علی، غنیه النّزوع الی علمی الاـصول و الفروع، تحقیـق ابراهیم بهـادری، قم، مؤسـسه امـام صـادق، ۱۴۱۷/۱۹۹۶.

۳. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، الشرح الکبیر، ۱۲جلد، بیروت، دار الکتاب العربی، بی تا.

۴. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، ۱۲جلد، بیروت، دار الکتاب العربی، بی تا.

۵. ابن نووی، محیی الدین بن شرف، المجموع فی شرح المهذّب، ۲۰جلد، بی جا، دار الفکر، بی تا.

۶. ابن نووی، یحیی بن شرف، روضه الطالبین، تحقیق عادل احمد عبد الموجود، ۸جلد، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.

۷. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، تحقیق سعید محمد اللّحام، ۲جلد، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰/۱۹۹۰.

۸. اردبیلی، ملاـ احمـد، مجمع الفائـده و البرهـان فی شـرح ارشاد الاذهان، تحقیق مجتبی عراقی و دیگران، ۱۴جلد، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۳/۱۹۸۳.

۹. اصفهانی، شیخ الشریعه، قاعده لاضرر، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۶.

۱۰. الحطاب الرعینی، محمد بن محمد، مواهب الجلیل بشـرح مختصـر خلیل، تحقیق زکریا عمیرات، ۸جلد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶.

۱۱. امامی، شیخ محمد، تسدید القواعد فی حاشیه الفرائد، بی جا، افست، ۱۳۹۲.

۱۲. انصاری، زکریا بن محمد، فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب، ۲جلد، بیروت، دار

الکتب العلمیه، ۱۴۱۸.

۱۳. انصاری، مرتضی، المکاسب، تبریز، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵.

۱۴. بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطّاهره، تحقیق محمد تقی ایروانی، ۲۰جلد، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۴/۱۹۸۴.

۱۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱.

۱۶. بهوتی، منصور بن یونس، کشاف القناع، ۶جلد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸.

۱۷. حلی، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۴جلد، تهران، انتشارات استقلال، چاپ دوم، ۱۴۰۹/۱۹۸۸.

۱۸. حلی، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام، ۲جلد، مشهد، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ سنگی، بی تا.

۱۹. حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، ۲جلد، مکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، بی تا.

۲۰. حلی، حسن بن یوسف، قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ۳جلد، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳/۱۹۹۲.

۲۱. حلی، محمد بن حسن، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد،

۴جلد، قم، انتشارات علمیه، ۱۳۸۷/۱۹۶۷.

۲۲. حلی، یحیی بن سعید، الجامع للشرائع، قم، مؤسسه سیّد الشهداء علیه السلام، ۱۴۰۵/۱۹۸۵.

۲۳. خراسانی، محمد کاظم، حاشیه کتاب فرائد الاُصول، ۱جلد، قم، انتشارات بصیرتی، بی تا.

۲۴. خراسانی، محمد کاظم، کفایه الاُصول، ۲جلد، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، ۱۳۶۳.

۲۵. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ۲جلد، نجف، مطبعه آداب، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

۲۶. خویی، ابوالقاسم، منهاج الصالحین، ۲جلد، قم، مدینه العلم، چاپ بیست و هشتم، ۱۴۱۰.

۲۷. رافعی، عبدالکریم بن محمد، فتح العزیز فی شرح الوجیز، ۱۲جلد، بی جا، دار الفکر، بی تا.

۲۸. روحانی، سید محمد حسین، منهاج الصالحین، ۲جلد، کویت، مکتبه الالفین، چاپ دوم، ۱۴۱۶/۱۹۹۴.

۲۹. روحانی، سید محمد صادق، فقه الصّادق فی شرح التّبصره، ۲۶جلد، قم، مؤسسه دار

الکتاب، چاپ سوم، ۱۴۱۲/۱۹۹۱.

۳۰. زین الدین محمد امین، کلمه التقوی، ۷جلد، بی جا، بی نا، چاپ سوم، ۱۴۱۳.

۳۱. سرخسی، شمس الدین، المبسوط، ۳۰جلد، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶.

۳۲. سیستانی، سیدعلی، منهاج الصالحین، ۳جلد، قم، مکتبه آیه الله

السیستانی، ۱۴۱۶.

۳۳. شربینی، محمد، مغنی المحتاج الی معرفه معانی الفاظ المنهاج، ۴جلد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷/۱۹۵۸.

۳۴. شروانی، عبدالحمید، حواشی الشروانی، ۱۰جلد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۳۵. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، ۴جلد، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴/۱۹۸۴.

۳۶. طوسی، محمد بن حسن، التّبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب قیصر العاملی، ۱۰جلد، بیروت، دار احیاء التّراث العربی، ۱۴۰۹/۱۹۸۹.

۳۷. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، تحقیق سید علی خراسانی، ۶جلد، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۷/۱۹۸۷.

۳۸. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تحقیق محمد تقی کشفی، ۸جلد، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۸۷/۱۹۶۷.

۳۹. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه، تصحیح علی آخوندی، ۱۰جلد، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۶/۱۹۶۸.

۴۰. عاملی، زین الدین بن علی، الرّوضه البهیه فی شرح اللّمعه الدّمشقیه، ۱۰جلد، قم، انتشارات داوری، چاپ دوم، ۱۳۹۸/۱۹۷۸.

۴۱. عاملی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ۱۵جلد، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳/۱۹۹۳.

۴۲. عاملی، محمد بن مکی، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ۳جلد، قم، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۲.

۴۳. فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللّثام، ۲جلد، قم، کتاب خانه

آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵/۱۹۸۴.

۴۴. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم (الجامع الصحیح)، بیروت، دار

الفکر، بی تا.

۴۵. قمی سبزواری، علی بن محمد، جامع الخلاف و الوفاق بین الامامیه و بین ائمه الحجاز و العراق، تحقیق حسین حسینی بیرجندی، قم، زمینه سازان ظهور امام عصر علیه السلام، ۱۴۲۱/۲۰۰۱.

۴۶. کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۱۳جلد، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸/۱۹۸۷.

۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، ۸جلد، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۸/۱۹۶۸.

۴۸. گلپایگانی، سید محمد رضا، هدایه العباد، ۲جلد، قم، دار القرآن، ۱۴۱۳.

۴۹. مراغی، میر عبدالفتاح، العناوین الفقهیّه، ۲جلد، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷/۱۹۹۷.

۵۰. مرتضی، احمد، شرح الازهار، ۴جلد، صنعاء، غمضان، ۱۴۰۰.

۵۱. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، ۲جلد، قم، مدرسه امیر المؤمنین، چاپ سوم، ۱۴۱۱.

۵۲. منصور، جهانگیر، مجموعه قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری، تهران، نشر دیدار، ۱۳۸۴.

۵۳. موسوی عاملی، محمد بن علی، مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، ۸جلد، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۰.

۵۴. مؤمن سبزواری، محمد باقر، کفایه الاحکام، اصفهان، مدرسه صدر

نبوی، چاپ سنگی، بی تا.

۵۵. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق عباس قوچانی، ۴۳جلد، دار الکتب الإسلامیه، چاپ سوم، ۱۴۰۹/۱۹۸۸.

۵۶. نراقی، احمد، عوائد الایّام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، قم، مکتبه بصیرتی، چاپ سوم، ۱۴۰۸/۱۹۸۷.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹